

پیام فلز کار

شماره ۱۶

بهمن ۹۱

آقای رئیس جمهور ۵ ماه

حقوق نگرفته ایم شما چگونه؟



در این شماره از پیام فلز کار می خوانید:

سرمقاله: از محمد فراهانی
خبرنامه: خبرنامه شماره ۵۰، بیانیه ها و نوشته ای از داوود رضوی
آموزش قانون کار: عیدی و پاداش
تاریخچه سندیکایی: سندیکای کارگران بنایان تهران و حومه
کارگران جهان: در یونان کارگران کارخانه را تصرف می کنند
دریچه ای به جامعه:
به خشونت علیه زنان پایان دهید! (کنفدراسیون اتحادیه های کارگری)
و گزارشی از وضعیت زنان کارگر خانگی در خاورمیانه

کارگر متحد
همه چیز
کارگر متفرق
هیچ چیز

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
پیام فلز کار
شماره ۱۶، بهمن ۹۱
skfelezkar@gmail.com



سال تاسیس: ۱۳۳۹
شماره ثبت وزارت کار: ۳۴

سرمقاله



او ضل اله بود. سایه خدا. آریامهر بود (خورشید زمین آریاها). او مبتکر انقلاب سفید شاه و ملت. او پایه گذار تمدن بزرگ. هر کدام از این عناوین برای تحقیق ملت ستم دیده ای که اینگونه الفاظ در طول تاریخ در کنج ذهنشان لانه کرده، کافی بود. همه شاهان بوسیله اکثر علمای دین سایه خدا نامیده شده و مردم عامی باور کرده بودند. عناوین دیگر بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب ملت توسط علمای تحصیل کرده غرب، به شاه ایران هدیه شده بود.

اما خمیر بی رنگی که در سوئیس تحصیل کرده، ناز پرورده بود. با رسیدن ارتش شوروی به قزوین رضاخان قلدر به دستور اربابان انگلیسی، چون نوکری گوش به فرمان استعفا داد و با یک حبه قند تمامی ثروتش را به پسرش حبه کرد. او رفت تا ثروت و نوکریش در ایران دست نخورده باقی بماند، و به فرزندش برسد. سلطنت بعد از هجوم متفقین و اشغال ایران توسط این نیروها به این خمیر بی شکل هدیه شد. او نمی توانست سایه خدا یا حتا سایه یک مستبد بی رحم باشد، چیزی که پدرش بود. او قدرت تصمیم گیری و اداره ی حتایک کاخ سلطنتی را هم نداشت، چه رسد به اداره کشور بزرگ که حالا تندباد جنگ ارکانش را در هم کوبیده بود.

نظامیان و رجال سیاسی طرفدار غرب بدون اینکه فهم و درک اداره یک کشور، بصورت منطقی و علمی را دارا باشند و با روحیه خان سالاری و شبان رمگی این خمیر بی رنگ را در دست گرفته، او را شکل دادند و یک چهره مستبد، خودرای و خودشیفته از او ساختند. فاصله دولت و ملت بعد از کودتای ۲۸ مرداد کاملاً قطع شده بود. رجال سیاسی سعی کردند این رابطه را ابتدا با دادن چهره مذهبی به شاه ایجاد کنند. او را به مکه فرستادند و عکس او را با لباس اهرام بر سر هر کوی و برزن چسباندند. عکس او را با مراجع بزرگ، بزرگ کردند و بر سر هر محله ای چسباندند. روزنامه ها درباره دینداری او سخن راندند. ولی نشد. مردم سختی

کشیدند و کار خود را به پیش می بردند و مستبد هم سرگرم اعمال خشونت علیه انسان های آزادیخواه بود. اعدام دست جمعی افسران آزادیخواه و زندانی کردن نخست وزیر منتخب مردم مرحوم دکتر محمد مصدق و کشتن آزادیخواهان بنام مانند دکتر سید حسین فاطمی و افراد روشنفکر و آزادیخواه و کارگران سندیکایی و دهقانان (۱). بعد از قصابی و سرکوب جنبش ملی ،او را برای یک رفّرم مدرن آماده کردند. انقلاب سفید. کار مدرن او را همه بوق های تبلیغاتی توجیه کردند. ولی اصلاحات مدرن او تنها توانست سطح جامعه را تغییر مختصری بدهد. در عمق اما، او به فئودال ها میدان داده بود که سرمایه های خود را با حمایت دولت به بخش صنعت مونتاژ وارد کنند. باور شکسته کردن کشاورزان خرده مالک، خیل عظیمی از نیروی کار ارزان در اختیار سرمایه دارها گذاشته شد. این طرح ها سرانجام جامعه را دچار نوعی سرگیجه کرد. این سرگیجه فرصت کوتاهی برای جولان به آن فرد خود شیفته داد که برای خود جشن ها برپا کند. خود این جشن ها هزینه زیادی برای ملت داشت. از جمله تحقیر مردمی که در غم نان بودند و سایه خدا به جهان پُز می داد که ما چنان بوده ایم و چنین هستیم. اما مردم در این جریان کاره ای نبودند. فصل خون شکل تازه ای گرفت. بعد از سخت گیری های حکومت استبدادی که راه را برای مبارزه پارلمانی و مسالمت آمیز بست و بابت خواندن هر کتاب و یا مقاله زندانی های طولانی مدت برای آزادیخواهان بُرید. زبان احزاب را بستند. احزاب فرمایشی ایجاد کردند و مردم را مجبور کردند که در این احزاب به شعارهای زنده باد شاه مشغول باشند. روشنفکران جوان اسلحه را انتخاب کردند. قبل از آن مصلحین اجتماعی تذکر داده بودند که اگر راه انتقاد و برخورد مسالمت آمیز بسته باشد، اسلحه تنها راه انتخابی جانان است (۲). ولی ژنرال هایی که در واقع خان بودند، مردم را قابل این حرفها نمی دانستند. آنها راه هرگونه مطالبه مردمی را بستند. برای بالایی ها کرنش و کاسه لیزی و برای مردم سختی و استعمار و برای روشنفکران یا اطاعت یا زندان و شلاق را فراهم کردند. شاهنشاهی سندیکا را می پذیرفتند، به شرطی که مطیع و فرمانبر باشند. کارگران اتحادگرا اما، سندیکاها را بوجود آوردند. درست بعد از کودتا و برگشتن از زندان. اما مستقل بودن و فرمانبر نبودن سخت بود. کارگران جمع گرای ورزیده به جوانان آموختند که ایجاد سندیکا و نهادهای مردمی و مطالبه گر لازم بوده و جزئی از حیات و زندگی یک ملت است. ملت بی شکل و بی رنگ که بصورت گله وار مطیع فرامین باشند، مطلوب چپاول گران هستند، و اتحاد آنها را مستبد تنها برای تایید ستمکاری های خود می خواهد. سندیکاها کارگری با تمهیدات گوناگون از منافع کارگران تا حد ممکن دفاع می کردند، از نمایشات ظاهری حکومت که سعی داشت به آریامهرشان چهره مردم دوستی بدهد، استفاده کرده و سعی کردند مطالبات را در چارچوب موجود سازماندهی کنند و بعد از قدرت گرفتن تشکیلات کارگری فضای مناسب تری با فشار از پایین ایجاد کنند. این تشکل ها و تداوم مبارزات دانشجویی در نقطه جوش جریان ستم شاهی بهم گره خوردند. دهقانان و رشکسته که به حاشیه رانده شده بودند، تبدیل به نیروی زنجیره کار شده بود و سرپناه خود و خانواده را از حلیی ها و آجرها و نخاله های ضایعاتی ساخته بودند و در بیغوله ای که شبیه خانه که، نه، لانه

حیوانات بود، زندگی می کردند. حکومت محدوده تهران را تعیین کرده بود و کسی حق نداشت در حاشیه خانه بسازد. پس ماموران شهرداری استبداد، حلبی آبادهای باقرآباد-علی آباد- و افسریه را در جنوب شهر تهران بر سرراهی زحمتکش آن خراب کردند. مردم خشمگین که چیزی برای از دست دادن نداشتند، شهرداری های افسریه و شاه عبدالعظیم را خراب کردند و به آتش کشیدند. جنبش مردمی از سطح روشن فکran جامعه به عمق حرکت کرد. تظاهرات قم، تبریز و شهرهای دیگر با سازماندهی مذهبیون بازار و تحت تاثیر مقاله اهانت آمیز حکومت به آیت اله خمینی شروع شد. بازار و سرمایه تجاری به سرعت بوسیله هیات های مذهبی کنترل جنبش را در دست گرفت. منابر و تکابا، مرکز اعتراض علیه نظام ستم شاهی شد. وظیفه کارگران سندیکایی سازماندهی اعتصاب کارگران بود که در این زمینه بسیار موفق بودند. اعتصاب اصناف و رو در رویی کارگران و دانشجویان و دانش آموزان و اصناف خرده پا، حکومت را فلج کرده بود. دایما گارد شاهنشاهی با کارگران و اصناف سینه به سینه درگیر بودند. سرانجام شیرهای نفت صادراتی بسته شد. خان هایی که لباس ژنرالی پوشیده بودند، فرار کردند و شاه هم همراه آنها رفت. نظام ۲۵۰۰ ساله سقوط کرد، آنهم مدت کوتاهی بعد از جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.

اما سرمایه تجاری توانست با تلاش و صرف هزینه های گوناگون قدرت را از مردم گرایان و تولید محوران و هوشمندان مردمی بگیرد. سرمایه سنتی استبداد را به شکل تازه ای به همان جامعه بی شکل و فاقد نهادهای مردمی، حاکم کرد. علت پیروزی سنت گرایان به نهادهای مردمی و انسانی، ضعف تاریخی خود ما بود. بعد از انقلاب ما چندین جریان چپ داشتیم که همه آنها به مانند یک طایفه یا ایل به تاریخ شکل گیری گروه خود و مبارزات گروهشان بدون دیدن امتیازهای دیگران افتخار می کردند و سعی داشتند تفکر گروه خود و اصول پذیرفته شده خودشان را به دیگران تحمیل کنند. تفکر ایلی و طایفه ای به عرصه سیاست کشور مسلط شده بود و هست. علت گردگشت شرایط ما سنگینی بار عادت ها و تفکر ایلاتی بود که حداکثر تا دیدگاه های دکانداری رشد کرده بود نه بیشتر.

محمد فراهانی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط

باتلاق گمان

مشکل ما نیست از بیگانگان
حاصل پندار در رفتار ماست
ور نه یکسر تنگ بر ما زندگیست
راه حق را روز و شب در جستجو
تنگ بر مردم نمی شد روزگار

ای تو افتاده به باتلاق گمان
مشکل ما حاصل پندار ماست
چاره ی آن در جهان همیستگی است
ای تو سرگردان به دشت آرزو
باند «یک درصد» اگر می شد مهار

زندگی می شد به کام مردمان
کس نمی گردید مسکین در جهان

علی جعفری (کارگر)

خبرنامه فلزکار شماره ۵۰

تعطیلی کارخانه های تولیدی و روند رو به رشد اعتراضات کارگری همچنان ادامه دارد «تعداد ۵۰ نفر از کارکنان مخابرات روستایی استان های آذربایجان غربی، خوزستان، خراسان رضوی که پلاکارد هایی در دست داشتند به منظور تحقق مطالبات خود از جمله حقوق معوقه و تایید شدن قراردادهای مستقیم در مقابل مجلس تحصن کردند _ تجمع نمایندگان ۲ هزار کارگر فصلی نی بُر کشت و صنعت کارون شوشتر در اعتراض به اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل و بازنشستگی پیش از موعد به مدت ۴ روز در مقابل نهاد ریاست جمهوری _ ۵۰ کارگر قند و تصفیه شکر اهواز برای دومین روز متوالی همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری برای دریافت ۲۵ ماه حقوق عقب افتاده خود تجمع کردند - ۱۱۰ کارگر شهرداری طیس خواستار تبدیل قرارداد از پیمانی به قرارداد مستقیم طبق مصوبه هیات دولت هستند - ۶۷ کارگر بیکار شده قارچ سینا بعد از گذشت ۲ سال هنوز مطالبات خود را دریافت نکرده اند. تامین اجتماعی نیز به دلیل واریز نشدن حق بیمه ها از بازنشسته کردن کارگران با قانون مشاغل سخت و زیان آور خودداری می کند - مدیر عامل پارس جنوبی: در پیگیری از حق و حقوق کارگران شاغل در این منطقه عظیم اقتصادی و انرژی کشور از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم بود - تعطیلی کارخانه یخچال سازی بوژان با ۲۴۲ کارگر رسمی - تعطیلی کارخانه تیک تاک با ۶۰ کارگر - اخراج ۲۸۱ کارگر از ۴۷۰ کارگر کارخانه قطعه سازی مارلیک سان قزوین «متأسفانه این تحصن ها بدلیل هماهنگ نبودن با دیگر کارگران و نبود سندیکای کارگری هیچگاه به ثمر نمی نشیند و پس از چندی به دلیل اینکه کارگران بهر حال باید بفرم معیشت خود باشند کارگران معترض پراکنده شده و به خانه های خود بازمی گردند. این تنها کارگران اخراج شده نیستند که با دیگر کارگران هماهنگ نیستند، بلکه کارگران شاغل هم که فردایی بهتر از این کارگران ندارند نیز از این کارگران حمایتی به عمل نمی آورند. و فردا اینبار آنان هستند که باید متحصن بشوند و هیچکس هم از اینان حمایت نکند. این اخراج ها نه تنها اقتصاد کشور را نشانده رفته بلکه امنیت ملی ما را نیز خدشه دار کرده و راه را برای فعال شدن دشمنان همیشگی طبقه کارگر بازمی کند. سرمایه داری انگل تجاری برای باز کردن جاپای دشمن اینگونه عمل می کند «جبار کوچکی نژاد نماینده رشت: دولت مابه التفاوت نرخ ارز را که در بازار فروخته به خزانه واریز نکرده و این در حالی است که نمایندگان دولت در جلسات خصوصی اقرار کرده اند که ارز را در بازار فروخته اند» یعنی کم شدن قدرت خرید کارگران و بخش بزرگی از کوچک شدن سفره های کارگری با نوسانات ارز با دست دلان ارز رقم خورده است. بی دلیل نیست که دلسوزان کارگری

چنین می گویند «کاهش ارزش پول مشکل اصلی کارگران است- فاصله طبقاتی در پی اجرانشدن همسان سازی حقوق بازنشستگان افزایش یافته است- کاهش قدرت خرید کارگران آسیب های اجتماعی را دامن می زند» آسیب هایی که اجتماع را تهدید می کند «فرمانده نیروی انتظامی: حجم قاچاق کالا هشت برابر شده است و افزایش قاچاق سوخت، طلا، دام زنده» واز پی آن «۱۰۰ هزار بیسواد در تهران- یک میلیون ۳۲۵ هزار معناد در کشور- افزایش ۳۵ درصدی اعتیاد در زنان - درسال گذشته پزشکان یک میلیارد تومان زیرمیزی گرفته اند» وقتی تولید نباشد و بیکاری گسترده شود قاچاق و اعتیاد و فساد بطور چشمگیری افزایش می یابد و این معضلات خانواده های کارگری را تهدید می کند. سرمایه داری تجاری این ارزشها را نه برای سرمایه گذاری در تولید بلکه برای نابودی اقتصاد و کشاورزی و دامداری ایران بکار می برد «واردات ۱۲۶ میلیون دلاری موبایل- واردات ۹۹۸ هزار تن برنج یعنی دوبرابر نیاز نیاز کشور- واردات ۴ هزار تن زیتون» اینها تنها گوشه ای از واردات و تخریب زیرساخت های اقتصادی است و گرنه واردات چوب بستنی و بند تنبان و پوست خربزه و دسته بیل از شاهکارهای تجار خائن است که در شماره قبل به آن استناد کردیم. اما کثیف ترین کار سرمایه داری انگل تجاری بازی با سلامت مردم ایران است «تصمیم سازی برای واردات دارو با ارز آزاد با وجود اولویت دارو برای اختصاص ارز مرجع اسناد موجود نشان می دهد که برخی منابع تصمیم ساز در دولت به دنبال کاهش یا حذف ارز مرجع برای دارو هستند که نتیجه آن گرانی دارو تا حدود ۳ برابر نرخ فعلی است.» و گرانی است که بیداد می کند «قاچاق گوشت قیمت گوشت قرمز را افزایش داد- تخم مرغ شانه ای ۷۵۰۰ تومان- قیمت مرغ کلیویی ۶۳۰۰ تومان» هر چند که دولت اعلام کرده مبلغ یارانه ها را افزایش خواهد داد و وعیدی هم پرداخت می کند اما این کار جز دامن زدن به افزایش نقدینگی و تورم حاصلی ندارد. سرمایه داری انگل تجاری از این تزریق نقدینگی به جامعه بیشترین سود را برده و با بازی ارز و دلار این نقدینگی را در کمترین زمان هفته به حساب خود خواهد ریخت. بهتر است نظر کارشناسان را جویا شویم «حسین راغفر: افزایش کمک های نقدی تورم را افزایش می دهد. پرداخت بیش از ۳۰ میلیارد دلار یارانه نقدی در فاز اول هدفمندی، اگر همین تعداد یارانه نقدی در چاههای نفت و گاز مشترک با کشورهای خلیج فارس سرمایه گذاری می شد، در حال حاضر شاهد ایجاد فرصت های شغلی بسیاری بودیم.»

اما داغ ترین خبر برای کارگران در ماههای پایانی سال موضوع دستمزدهاست به این اظهار نظرها توجه کنید «امکان زندگی با دستمزد کمتر از یک میلیون و یکصد هزار تومان برای خانوار کارگری وجود ندارد - اقتصاد مقاومتی را سخت گیری به معیشت کارگران تعبیر می کنند - درواری فعال کارفرمایی: کارفرمایان مسوول تامین معاش کارگران و افزایش قدرت خرید کارگران نیستند بلکه این وظیفه دولت است. هیچ کارفرمایی

مخالف افزایش دستمزد کارگران نیست اما با شرایط کنونی امکان پرداخت دستمزد بیشتر وجود ندارد. حقوق ۵ برابری هم با رکود و تورم فعلی نمی تواند معیشت کارگران را از خطر نجات دهد- پیشنهاد مجلس برای افزایش ۲ برابری دستمزد کارگران» با توجه به اظهارات بالا و نرخ تورم از سوی بانک مرکزی که ۳۲ درصد اعلام شده و خط فقر ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی، آیا دولت که خود بزرگترین کارفرمای کشور است به چه مبلغی راضی خواهد شد؟ آنچه که ما بارها اعلام کردیم و امروز نیز به آن پای می فشاریم این موضوع است که با جهانی شدن قیمت ها می باید دستمزدها نیز جهانی شود یعنی وقتی نان از ۱۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان افزایش یافت و کیفیت نیز تغییری نکرد باید دستمزدها نیز همپای این آزادسازی ۵ برابری شد نه با ۱۸ درصد افزایش دستمزد خانواده های کارگری را خانه خراب کرد. آنچه که مسلم است دستمزدها نه ۵ برابر و نه حتا با پیشنهاد مجلس ۲ برابر هم نخواهد شد چرا که کارفرمایان و بخصوص دولت به عنوان بزرگترین کارفرما زیر بار چنین بار مالی نخواهد رفت و این بازی ها بیشتر برای دلخوش کردن کارگران است تا دست از اعتراضات خود فعلا برداشته منتظر اعلام دستمزد باشند، تا آخر سال مواجه با دستمزدی ناچیز شوند و بعد هم که تعطیلات نوروزی است و بعد از عید هم دیگر آب ریخته شده به کوزه برنخواهد گشت. واقعیت این است که طبقه کارگری باید اول سنگر و جان پناه خود را برای به کرسی نشاندن حرفهایش یعنی سندیکاراداشته باشد، که ندارد. پس کلاش پس معرکه است. هر سخنی که فعلا گفته می شود بیشتر بازی و پُرسپاسی است. امروز گفته می شود که نمایندگان به اصطلاح کارگری در شورای عالی کار با ۲۵ درصد افزایش دستمزدها موافقت کرده اند یعنی ۵۰۰ هزار تومان. فارغ از اینکه با اعلام تورم ۳۲ درصدی چگونه این آقایان حتا ماده ۴۱ قانون کار را نیز به فراموشی سپرده اند، خود حدیث دیگری است. پیشنهاد ما این است که طبقه کارگر و فعالانش باید از هر روزنه ای برای بالا بردن هر چه بیشتر دستمزدها استفاده کنند و فارغ از هر دستمزدی که اعلام شود دولت باید برای کاهش فاصله دستمزدی با تورم موجود و گرانی های حاصله با راه اندازی بن های کارگری از طریق توزیع آن توسط تعاونی های کارگری قدری از فشار به زحمتکشان راکم کند. ما می دانیم که این کار هم مسکنی بیش نیست اما تا تشکیل سندیکاهای کارگری چاره ای جز این نیست

گزارشات کارگری

گزارشی از پارس جنوبی

یاور: خبر استثنایی بود و داغ. داغ تر از تابستان های پارس جنوبی. به سرعت توفان درهمه ی پروژہ ها گردبادگونه پیچید و هیجان بوجود آورد. ساده اندیشان و زود باوران به ذوق آمدند:

«دیدید کارگران چه کردند.؟!»

«آره فاز... و فاز... به وسیله ی کارگران تعطیل شد. چند روز کارگران درب ورودی این دو فاز را بستند.»

خبرهای بعدی:

«کارگران با سنگ و میله آهنی به ادارات شرکت ها حمله کردند و کلی خسارت مالی به بار آوردند.»

یک منبع خبری دیگر:

«۵ روز کارگران در اعتصاب و تحصن بودند. ولی کسی به آنها توجهی نمی کرد. تظاهر می کردند برایشان اهمیتی ندارد. ولی آدم فروشان شان در میان کارگران در جست و جوی رهبران اعتصاب بودند. از این رو واکنشی از جانب آقایان صورت نمی گرفت. کارگران که از بی اعتنایی ها عصبی شده بودند، در های فازها را بستند و آن ها را وادار به واکنش زود هنگام نمودند.» زودباوران: «دیدید دیدید این طبقه است که قدرتش را به نمایش گذاشته...»

راستی چرا این حرکت صورت گرفت؟ آیا واقعا این روند یک روند امیدوارکننده از آمادگی طبقه ی کارگر برای کسب حداقل حقوقش است؟ هم آری و هم نه. دلیل این چالش انفجاری چه بود؟ آیا کارگران برای خنثی کردن تورم و گرانی روزافزون که زندگیشان را فلج کرده و خانواده شان را به شدت آسیب پذیر کرده، تقاضای اضافه حقوق دارند؟ صد البته این حق مسلم آن هاست و اگر به همین جهت وارد این درگیری شدید شده اند، واقعا حق دارند. چون هیچ قانونی و هیچ نهادی از حقوق شان دفاع نمی کند. برای زندگی باید رزمید والا در جنگل بی قانونی، زبون و تسلیم و ترسیده پایمال می شود. ولی نه به این دلایل نبود. آیا با تقاضای ایجاد سندیکایشان مخالفت شده بود که منجر به درگیری شده است؟ نه هرگز. آیا به خاطر غذا خدمات بهداشتی کارگران وارد اعتصاب شدند؟ غذایی که دیگر گوشتی ندارد و مستی لپه و نخود نپخته است. باز هم نه.

کارگران ۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. خب دیگر دلیلش پیدا شد. خانواده ی کارگر، زن و فرزندانش چگونه می توانند در شهر با این گرانی دوام بیاورند و ۵ ماه حقوق نگیرند؟! این حق طبیعی آن هاست. نه، نه باز هم نه. آنها در حاکمیتی زندگی می کنند که قرار بود عرق تنشان خشک نشده حقوق شان را بگیرند. ولی این هم تقصیر خداست که

در اینجا شب و روز شرعی و رطوبت هوا آن قدر بالاست که عرق تن این کارگران خشک نمی شود تا برادران دلال و واسطه حقوق پرداخت کنند. این برادران چون خیلی پای بند اصول و قواعد الهی هستند، مجبور شده اند صبر کنند تا عرق کارگران خشک شود، که نمی شود و این بیچاره انگل ها گناهی ندارند. این گناه آسمان و زمین است که این عرق خشک نمی شود.

آری این تولیدکنندگان صنایع بزرگ مادر در ایران در این ساختار آنقدر زیر فشار قرار گرفته اند که حتا برای ۵ ماه حقوق تعویقی هم اعتصاب نمی کنند. حتا برای این ستم مضاعف هم اعتصاب نکرده اند. دلیل شاید، ستم جدید شرکت های نیمه دولتی است که پس از ۱۲ ساعت کار شاق در این آب و هوای سراسر آلوده به گاز و آلودگی صوتی بالا، حداقل فرصت فراغت قبل از خواب را باید به مساجد و مراسم عمومی مذهبی بروند. والا خبرچین ها نامشان را به مدیران - ببخشید - به حاجی آقایان، رد می کنند و آنها هم بی سرو صدا، فردایش از ورودشان به کارگاه خودداری می کنند. نه حتا به این دلیل هم نبود.

تنها به دلیل شنیدن یک خبر ساده ی ساده ی ساده بود که در این مملکت هر روز تکرار می شود. یک دزدی. یک فرار با مال دزدی. بلی وقتی کارگران شنیدند که یکی از مدیران شرکت دست دوم با حقوق کارگران، با حقوق ۵ ماهه همه ی کارگران فرار کرده (یکی از حسابدارها که حقوق آن ها هم دزدیده شده بود، خبر را به کارگران رساند) ابتدا دست به اعتصاب زدند. ولی حوادث بعدی، بازتاب واکنش یا عدم واکنش مسوولان کارفرما بود که این پول را در اختیار واسطه کار قرار داده بود. (مبلغ ناقابل ۲۴ میلیارد تومان؟!)

وقتی کارگران به آن ناامیدی رسیدند که امکان دریافت حقوقشان امری محال است، با سنگ و میله آهنی به ساختمان های اداری حمله کردند و شد اخبار بالا. واسطه اصلی با پول ها فرار کرد، ولی یکی از همراهان او، آقای قربانی دستگیر شده و شرکت پیمانکار اصلی که یک نام کاملاً ایرانی برای خودش انتخاب کرده، با پرداخت حقوق همه ی کارگران طی چک و اخراج همه ی آنها و بلک لیست کردن رهبران کشف شده ی اعتصاب همه چیز را خاتمه داد.

پارس جنوبی (برگرفته از سایت های اینترنتی)

*در کارخانه های خرم دشت رودهن در ۲ ماه گذشته اخراج ها شدت پیدا کرده است. در این کارخانه ها کارگران بصورت آزمایشی برای مدت ۲ الی ۳ ماه بکار گرفته شده و سپس بصورت استخدام درمی آیند این استخدام بیشتر بصورت قراردادهای روزمزد یکماهه یا ۲ ماهه می باشند. در طی دوران آزمایشی خبری از بیمه و دیگر مزایا نیست.

*کارخانه شیشه آبگینه قزوین پس خریداری شدن از طرف بانک ملی ۸۰ کارگر خود را اخراج کرد.

*در کارخانه مینو واقع در خرم دره ۴۵ کارگر اخراج و مابقی کارگران می باید برای پُر کردن

جای کارگران اخراجی باشدت بیشتری کارکنند.

* کارمندان وزارت بهداشت دانشگاه شهید بهشتی بسیاری از مزایای خود از آغاز سال تاکنون را اذ دست داده اند. قطع اضافه کاری، رستوران، سرویس حمل و نقل، مهد کودک، وهدایای روز زن و روزمرد وسالن ورزش بخشی از مزایای اذ دست رفته این کارمندان است.

* شرکت زیست امید که پیمانکار پارکبان های حاشیه خیابان هاست به تازگی تعداد ۸ نفر از پارکبان های خود را که در خیابان شیراز جنوبی مستقر بودند به دلیل نصب پارکومتر اخراج کرد. هر پارکبان در روزی بایست مبلغ ۴۰ هزار تومان به شرکت پرداخت می کرد. در حال حاضر پارکبان های این شرکت مستقر در خیابان آر آر ات هر روزه مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به شرکت پرداخت می کنند.

* کارخانه پاکشوما تولید کننده ماشین های لباس شویی در کرج در قرارداد کار این شرکت از کارگران به عنوان کارپذیر نام برده شده است. در آذر ماه ۳ کارگر بدون دلیل اخراج شدند. استخدام در پاک شوما بصورت قراردادهای یکماهه الی سه ماهه است. در حال حاضر ۱۵ کارگر این کارخانه مدت ۲ ماه است که حق بیمه از حقوقشان کسر شده ولی لیست بیمه اشان به بیمه ارسال نشده است کارفرما پیشنهاد مابه التفاوت پرداخت بیمه رابه کارگران داده است.

* در کارخانه سایپا تنها یک خط تولید که به تولید پراید اختصاص دارد کار می کند. خط تولید زانتیا به دلیل ندادن قطعه از طرف فرانسه متوقف شده است. خط تولید ریو هم به دلیل تمدید نشدن قرارداد با کره جنوبی، تولید ندارد. مزایایی از جمله مرغ و گوشت ماهانه در سایپا قطع گردیده و اضافه کاریها به نصف رسیده وهدایایی که در اعیاد و تولدها داده می شد نیز ۵۰ درصد کاهش یافته است.

* با گران شدن نرخ ارز از ۱۲۵۰ تومان به ۳۰۰۰ تومان، شرکت های هواپیمایی، بسیاری از مسافران خود را اذ دست داده اند. این شرکت ها برای جبران این خسارت با کم کردن کادر پروازی خود اقدام به کاهش حقوق خلبانان به نصف و کمک خلبانان به ۳۰ درصد و کلیه کادر پرواز به ۲۵ درصد کسر حقوق کرده اند.

* شرکت تاوان گستر ۴ روز است که به خاطر پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده ۴ ماهه در اعتصاب بسر می برد. این شرکت پیمانکار شرکت بلند طبقه می باشد که خود شرکت بلند طبقه نیز پیمانکار شرکت پتروپارس می باشد. این شرکت در فاز ۱۹ طرح و توسعه میدان گازی پارس جنوبی واقع در ۳۰ کیلومتری کنگان عسلوی واقع است. در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۳ یک سوم حقوق پرداخت شد. جمع کارگران اعتصابی ۵۰ نفرند، که همگی کارگر اسکلت ساز هستند. قرار شده شرکت پتروپارس شرکت تاوان گستر را خلع کند. کارگران از ترس اینکه شرکت تاوان گستر مخفیانه اموال شرکت را خارج و به فروش برساند از این اموال بطور نوبتی مواظبت می کنند. کارگران می گویند: «چون امکان دارد شرکت لوازم راشبانه از کارگاه خلرج کند و کارگران سرشان بی کلاه بماند از اموال مراقبت می کنیم. در ضمن شرکت تاوان گستر

به کارگران گفته حال که اعتصب می کنید باید خوابگاهها را تحویل دهید، اما کارگران مقاومت کرده از تحویل خوابگاهها به کارفرما امتناع می کنند

*در طرح توسعه پارس جنوبی فاز ۱۹ از ۹۱/۹/۸ رانندگان و کمک رانندگان جراثقال های ۲۵ تنی ۵۰ تنی و ۵ تنی شرکت مهندسی تارابه دلیل پرداخت نشدن حقوق ۱۲ نفر از رانندگان و کمک رانندگان جراثقال دست به اعتصاب زده اند. شرکت مهندسی تارا زیرمجموعه شرکت پتروپارس ایران است. متاسفانه چک ۱۵۰ میلیونی کارگران نقد نشد و از ۱۰/۱۳ کلیه جراثقال ها دوباره دست به اعتصاب زدند. در همین راستا رانندگان خاک بردار هم به اعتصابیون پیوسته کل شرکت فلج شده است. شرکت تارا به اعتصابیون گفته اگر تاشنبه کار کنید پولتان ساعت ۴ پرداخت خواهد شد کلیه کارگران و کارکنان این شرکت ۴ ماه حقوق معوقه دارند. در حال حاضر شرکت تارا تنها حقوق ۱۵ روز مهرماه را پرداخت کرده است.

*در بخش ولدهد شرکت نفت اهواز اطلاعیه ای در هفته گذشته صادر شد (۹۱/۱۰/۱) که در آن از کلیه کارگران خواسته شده است که بحث در مورد مسایل سیاسی، اقتصادی و مسئولین کشور و مسئولین شرکت نفت خودداری کرده و در صورت مشاهده برخورد جدی صورت خواهد گرفت.

یخچال سازی بوژان خرم آباد با ۲۴۲ کارگر رسمی و قراردادی طی سال های گذشته تولید خوبی داشت، اما هم اکنون به دلیل افزایش نرخ ارز در واردات کمپرسورهایی که از عمده قطعات برای تولید این محصول محسوب می شوند، دچار بحران شده و تعطیل شده است. قیمت کمپرسورها حدود ۵۷ هزار تومان در سال گذشته بود ولی رقم خرید این قطعه در سال جاری به ۱۴۵ هزار تومان رسیده است.

قزوین کارخانه تیک تاک تولید کننده سیم های جوش و میخهای پرچ با ۶۰ کارگر تعطیل شده است. کارفرمای این کارخانه افزایش قیمت مواد اولیه تولید به تبع افزایش قیمت دلار را دلیل تعطیلی عنوان کرده و گفته است که تولید این کارخانه دیگر صرفه اقتصادی ندارد. ۳۵ کارگر رسمی این کارخانه با سوابق بیش از ۲۲ سال، حقوق مهر و آبان ماه خود را دریافت نکرده اند و تنها در شهریور ماه مبلغی به صورت علی الحساب به آنان پرداخت شده است. این کارگران پس از خاتمه مدت قرارداد کار هم اکنون از سوی کارفرما برای دریافت بیمه بیکاری به اداره کار معرفی شده اند و حقوق آنان نیز یک ماه به تعویق افتاده است. تعدادی از کارگران رسمی که در شرف بازنشستگی قرار دارند به سبب پرداخت نشدن چند ماه از حق بیمه شان شرایط بازنشستگی ندارند.

قزوین کارخانه قطعه سازی مارلیک سان از ابتدای سال تا کنون تعداد ۲۸۱ کارگر کارخانه قطعه سازی مارلیک سان بیکار شدند. در این کارخانه اوایل امسال ۴۷۰ نفر کارگر مشغول به کار بودند، هم اکنون به علت پرداخت نشدن مطالباتش از سوی دو خودروسازی بزرگ کشور، علاوه بر اخراج ۲۱۰ کارگر با سوابق بالای ۱۸ سال سابقه طی فصل بهار، با ۷۰ کارگر دیگر خود با سوابق زیر ده سال در پایان آبان ماه تمدید قرارداد نکرده است. این کارگران

با آنکه ماهانه مبلغ زیادی اجاره بها پرداخت می‌کنند، به دلیل بیکاری در وضعیت بدی از لحاظ معیشتی به سر می‌برند و اکثر آنان به سبب بدهی‌هایی که به بانک‌ها دارند هر روز نامه‌های اخطار و کسر از حقوق از این بانک‌ها به دستشان می‌رسد و تهدید به مصادره اموال می‌شوند. بیکاری این کارگران با سوابق بالا در شرایطی است که با افزایش سن این کارگران در هیچ کارگاهی برای ادامه فعالیت و رسیدن سابقه خود به حد نصاب بازنشستگی پذیرفته نمی‌شوند

پیام فلزکار گزارش می‌دهد

* بازارمواد پلاستیک به شکل بی سابقه ای بعد از بالا رفتن قیمت ارز ملتهب گردیده و کارخانه‌هایی که برای بسته بندی لوازم خود به موادپلاستیک احتیاج دارند به دلیل افزایش قیمت هرکیلو مواد پلاستیک تا ۷۰۰۰ تومان به سختی این مواد راتهییه می‌کنند. بطوریکه یکی از کارخانه های بزرگ موادغذایی توانسته امروز تنها ۲۰۰ کیلو از این مواد راتهییه کند.باین شکل بسته بندی مواد غذایی به مشکل برخورد و اکثر کارخانه هامجبوربه کاهش شدیدتولید ودرنهایت تعطیلی واحد تولیدی خود هستند.آش آنقدر شور شده که حتاوزیربازرگانی درمصاحبه تلوزیونی خود اعتراف کرده که قیمت ظرف ماست از خودماست گران تر شده است

* باتوجه به شرایط بسیاربدمالی مدارس وگذاشتن هزینه های مالی این مدارس بردوش والدین دانش آموزان ،آموزش وپرورش جهت کنترل دانش آموزان وآموزگاران اقدام به نصب دوربین های مداربسته باهزینه های بالا درکلاسها ودفتربرخی مدارس نموده است.

* قیمت لاستیک انواع خودرو اعم از تریلی،سواری،اتوبوس،همزمان بارشد قیمت دلار ۳ برابر گردیده است.به همین دلیل بسیاری ازوسایل نقلیه سنگین بین جاده ای از خرید لاستیک نوخودداری کرده وازلایستیک های دست دوم وفرسوده استفاده می‌کنند،تابیکارنشوند.این امرباعث خطرات جانی وافزایش تصادفات وبخصوص دراتوبوس های بین شهری خواهدشد.

* مراجعه به درمانگاه امام صادق خیابان تهران نو ایستگاه داریوش روزجمعه ۹۱/۱۰/۲۹ ساعت ۱۰/۵ صبح.با مراجعه به پزشک ایشان ازدادن نسخه بادفترچه تامین اجتماعی خودداری کرده واظهارداشت:بلاغیه آمده که درطول کشیک تنها ۱۰ نفربادفترچه تامین اجتماعی ویزیت شوند وچون شما ۱۵مین نفرهستید مشمول دفترچه تامین اجتماعی نمی‌شوید.همچنین تزریق آمپول آنتی بیوتیک هم شامل شما نمی‌شود به دلیل اینکه درشرایط بسیارضروری تنها ۲۰ عدد آنتی بیوتیک می‌توانیم به داروخانه بگوییم که به بیماران بدهند

* کارگران کارخانه تهران شیمی که درسال ۱۳۸۲ بازنشسته شدند. بهدلیل عدم آگاهی کافی سختی کاربرای آنان محاسبه نشد .آنچنان که کارگران می‌گویند درآن زمان شرکت تهران شیمی با دادن مبالغی به رابط تامین اجتماعی از تعلق گرفتن سختی کاربه بازنشسته ها ممانعت به عمل آورد. کارگران بازنشسته کارخانه تهران شیمی پس ازسالها امروزبا آگاهی از اجحاف صرت گرفته درحق شان بهع دنبال گرفتن حقوق ازدست رفته اشان هستند.

نگاهی واقع بینانه به برخوردهای صورت گرفته با سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

داوود رضوی فعال سندیکایی



من نویسنده نیستم و قصدم از نوشتن این مطلب پاسخ دادن به شخص و یا گروهی نیست. نظر شخصی و طرز فکر من نسبت به هم طبقاتی های خودم (کارگران) این است که هر تشکل کارگری که از منافع طبقاتی کارگران دفاع کند، و در راه احقاق حق و حقوق صنفی کارگران قدمی بردارد، حتی اگر بر خلاف عقیده من باشد، شخصا از آن تشکل استقبال کرده و اگر کاری نتوانم انجام دهم و یا به صرف اینکه با تفکر من همخوانی ندارد، جهت تضییع تشکل موجود قدمی بر نخواهم داشت، در واقع همانطور که در اساسنامه سندیکای شرکت واحد قید شده، سندیکا نسبت به رنگ، تفکر و مذهب کارگران محدودیتی ندارد و هدف اصلی آگاه کردن کارگران نسبت به حقوق صنفی و خواست های به حق و مسلم شان است، کارگری که میخواهد کاندیدای هیئت مدیره سندیکا شود فقط دو سال در ان کارگاه سابقه کار داشته باشد می تواند در انتخابات سندیکا کاندیدا شود.

هر چند که کارگران در فرو پاشیدن رژیم پهلوی نقش اساسی و مهمی داشتند، اما از همان سالهای اول انقلاب تشکل های مستقل کارگری را به عناوین مختلف مورد سرکوب قرار دادند و از هیچ ظلمی در مورد کارگران و تشکل های کارگری کوتاهی نکردند، بطوری که حتی به رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد ان زمان، در حکم بدوی اعدام دادند و حال با گروه های کارگری دیگر چه ها که نکردند بماند...؟

متأسفانه بعد از انقلاب تفکری بر کشور حاکم شد که هرگونه تشکل مستقلی را نه تنها برسمیت نمی شناسد بلکه اعتقاد به تک حزبی هم دارد. گویا تاثیرات سی و چند ساله حاکمیت بر فعالان کارگری و یا اهل قلم هم تاثیر گذاشته، تعدادی از آنها فکر میکنند تفکر و خط مشی خودشان از همه برتر است و کارگران باید حتما زیر پرچم؟ باشند و گر نه وابسته به حکومت و دولتی

و یا سرمایه داری هستند. چند روزی است مطالبی در سایت ها خواندم که سندیکاها چنین هستند و اداره کردن شورائی چنان؟ بعضی ها اعتقاد دارند که سندیکاها توان مبارزات طبقاتی را ندارند و نمی تواند شرایط کارگران و اوضاع معیشتی کارگران را تغییر دهند و فکر میکنند که سندیکاها هم از سرمایه داری ریشه گرفته اند و حتی ریشه در سرمایه داری دولتی دارند و اعتقاد دارند که راه نجات کارگران فقط در شورائی شدن تشکل های کارگری است.

به هر حال این نظریست که نمی دانم امروز در کشور ما چقدر قابل ارزیابی است. اما در مورد سندیکای کارگران شرکت واحد که خودم از اواخر سال ۸۳ فعال شدم و تا امروز هم از هیچ کوششی در راه منافع کارگران دریغ نکرده ام، بگویم، نمی خواهم به هزینه هائی که در این راه داده ایم اشاره کنم ولی از این نظر که شاید ذهن بعضی ها نسبت به سندیکاهای زرد و یا دولتی فعال باشد، لازم میدانم اشاره ای به برخوردهای دولتی و حکومتی با این سندیکا را به گوش آنهایی که علاقه مند به فعالیت کارگری هستند برسانم. تا قضاوت را خودشان بر عهده بگیرند، که آیا میشود با سندیکای دولتی و یا زرد چنین برخوردی صورت بگیرد که فکر میکنم غیر منطقی باشد اگر چنین قضاوتی را در مورد تشکل سندیکای کارگران شرکت واحد نکنیم، از بدو شروع مجدد سندیکای کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۸۴ همواره این سندیکا مورد هجوم و تاخت و تاز نیروهای امنیتی و عوامل سرکوب کارگران (خانه کارگرو شوراهای اسلامی کار) و حتی بخشی از عوامل پلیس امنیت که مدعی تاسیس شوراهای اسلامی کار بودند قرار داشته، که من به تعدادی از این فشارها تا به امروز اشاره میکنم.

۱- نزدیک به ۴۰۰ مورد بازداشت اعضای سندیکا ۲- دستگیری چندین خانواده به همراه فرزندان شان در ساعت ۲.۵ بامداد در حالی که همسرانشان در بند ۲۰۹ بازداشت بودند ۳- کتک خوردن و زخمی شدن دهها تن از اعضای سندیکا که منجر به جرح هم گردیده ۴- پرتاپ کردن بمب آتش زا به محل سندیکا که بخشی از ساختمان در آتش سوخت ۵- اجیر کردن چماقداران توسط عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و حمله ۲۰۰ نفر از این ارازل و اوباش به محل سندیکا و غارت اموال سندیکا در حضور پلیس و عوامل امنیتی، بجای اینکه پلیس ضاربین و چماقدارها را دستگیر کند، رئیس و نایب رئیس سندیکا را که زخمی بودند و نیاز به درمان داشتند دستگیر کردند ۶- محکوم شدن بیست نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای و فعالین شرکت واحد در دادگاه انقلاب از ۶ ماه حبس تا ۶ سال که اسانلو و مددی هرکدام ۵/۵ سال و ۴ سال از عمر ۸ ساله این سندیکارا در زندان بودند که هم اکنون یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکا، رضا شهبابی در حال سپری کردن محکومیت ۶ سال زندانش است ۷- اخراج بیش از ۳۰۰ تن از رانندگان فعال سندیکائی ۸- بازداشت تعدادی از دانشجویان و اعضای فعالین تشکل های کارگری مستقل در رابطه با سندیکای شرکت واحد ۹- تحت فشار گذاشتن تعدادی از روزنامه ها بخاطر چاپ مطالب سندیکا و حتی در مواردی بسته شدن ان نشریات، که یکی از موارد اتهامی، نشر مطالب سندیکا بوده. ۱۰- تصمیم گیری در رابطه با اخراج اعضای اصلی سندیکا در بالاترین مقامات امنیتی کشور که رونوشت مدارکش موجود است ۱۱- ارسال مدارک محرمانه به تمام ادارات کار استان کشور جهت جلوگیری از بازگشت بکار اعضای هیئت مدیره و اعضای اصلی سندیکا ۱۲- امنیتی برخورد کردن حاکمیت با سندیکای کارگران شرکت

واحد از همان ابتدا تا به امروز و تهدید اعضای هیئت مدیره سندیکا برای جلوگیری کردن از جلسات هیئت مدیره سندیکا که آخرین مورد به هفته گذشته برمیگردد.

فکر میکنم بیشتر از این لازم نباشد در این مورد بنویسم اما لازم میدانم مواضع سندیکای کارگران شرکت واحد را در رابطه با حوادث و رویدادهای کشور بخصوص مسائل کارگران که با انتشار بیانیه ها از طرف سندیکا هدفش را روشن ساخته اشاره کنم، تا شاید برای کسانی که تا به امروز مشخص نشده این سندیکای کارگری چقدر ماهیت ضد کارگری تشکیل های فرمایشی و دولتی که هدفی جزء منافع شخصی و جناحی را دنبال نکرده اشکار ساخته روشن سازم. ناتوانی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در حل مشکلات کارگران واقعیتی انکارناپذیر است. اگر در مورد دستاوردهای سندیکای شرکت واحد بخواهم بگویم واقعا در این متن گنجانده نمی شود، به این بسنده میکنم، طبق مدارک موجود منافع مالی قابل توجهی برای رانندگان و کارگران شرکت واحد در این چند سال بدست آورده که قابل رویت است از همه مهمتر قابلیت و آگاهی کارگرانی چون خود من را به حدی رسانده که امروز در شرکت واحد صدها کارگر آگاه داریم که قابلیت هدایت و روشنگری کارگران دیگر را دارد، در صورتی که قبل از سندیکا واقعا اکثر رانندگان حتی از ابتدائی ترین دانش حقوقی خودشان آگاه نبودند، متحد کردن بخشی از جامعه کارگری و همراه کردن کارگران بخش های دیگر با کارگران شرکت واحد، مطرح کردن نام کارگران کشور و توجه کارگران جهان را به کارگران کشور و عضویت سندیکای شرکت واحد در اتحادیه های بزرگ حمل و نقل بین المللی و...، موضع گرفتن سندیکای کارگران شرکت واحد در مورد انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم که میشود این دو دوره را از بدترین دوره ها برخلاف شعارهای فریبنده برای کارگران بشماریم، باید بگویم که سندیکا طبق بیانیه ای نظر خودش را نسبت به انتخابات اعلام کرد که بخشی از آن را یاد آور میشوم:

امروز برای کارگران و خانواده یشان تشویق به شرکت در انتخابات یکی از بی معناترین بحث های موجود میباشد چرا که کارگران در سه دهه گذشته، تمام روسای جمهور از دوره جنگ و دوره سازندگی و دوره اصلاحات و هم چنین رئیس جمهور مهرورز را تجربه کرده اند... در حالی که کاندیداهای رئیس جمهور ازادانه از سالن ها، مسجد ها و حسینیه ها و دانشگاه ها جهت سخنرانی استفاده میکنند، که هر نشست و تجمع کارگری با سرکوب روبرو میشود، حتی خیابان و پارک هم از مردم دریغ می شود و در طبیعی ترین جایی که کارگران می توانند بدون هزینه در آن جمع شوند مورد شیخون و هجمه و سرکوب قرار می گیرند.

این بیانیه در ارشیو سایت سندیکا موجود است و در مورد دستمزدها و ایجاد تشکل های مستقل همیشه مواضعش روشن و واضح بوده و هر جا در هر نقطه ای در ایران و دنیا کارگرانی مورد ستم واقع میشدند سندیکا با اطلاعیه ای ان رامحکوم میکرد و از تشکیل سندیکاهای دیگر حمایت میکرد، همچنان که از سندیکای نیشکر هفت تپه حمایت کرد. حتی در مورد اعدام فرزاد کمانگر که معلمی در روستاهای کردستان بود، سندیکا بخاطر اینکه معلمان را مزدبگیران فکری میدانند، موضع گرفت و اعدام این معلم را محکوم کرد، بعد از اینکه سایت سندیکا اعدام فرزاد کمانگر را محکوم کرد، سایت را تحت فشار گذاشتند، تا اینکه نزدیک به دو سال است که کنترل سایت از عهده سندیکا خارج شده و دیگر آن رسالت کارگری خود را از دست داده، اما

خوشبختانه اعضای سندیکا همچنان متحد و پیگیر منافع کارگران و رانندگان هستند و اگر بخواهم به چند تلاش ماه های گذشته نگاه کنم تجمع حدود ۲۰۰ نفری در مقابل شهرداری، شکایت از عملکرد شوراهای اسلامی ضد کارگری که حدود ۷۰ نماینده سندیکائی شاکیان را همراهی میکردند، هفته گذشته در اداره کار شمالغرب صورت گرفت و یکی از نمایندگان شورائی در مقابل هیات موضوع ماده ۲۲ به ناکارآمدی شوراهای اسلامی که زیر فشار و تحت فرمان کارفرما هستند اعتراف کرد و خودش شجاعانه در حضور رانندگان حاضر، استعفاء کرد. حال شما کدام تشکل مستقل را در کشور سراغ دارید که این همه مورد هجوم قرار گرفته و باز از هم از تلاش دست بر نداشته باشد؟ آیا شما تشکل مستقل کارگری را سراغ دارید که همین تعداد ۲۰۰ نفر کارگر را بتواند با این شرایط امنیتی پلیسی به میدان بیاورد؟ اگر شما تشکلی منسجم و مستقل سراغ دارید، در منافع ایجاد تشکیل تشکل های مستقل حرکتی کرده در سی سال گذشته ما هم در کنار شما ایستاده ایم، متأسفانه واقعیت اعتراضات کارگری کشور نه تنها پراکنده است، بلکه تمامی آنها بخاطر عقب افتادن دستمزد و یا نپرداختن حقوق است اما اعتصابات و اعتراضات رانندگان سندیکای شرکت واحد و نیشکر هفت تپه بخاطر ایجاد تشکل های مستقل کارگری در کشور بوده به همین منظور چنین برخوردهایی هنوز در مورد این دو تشکل وجود دارد، بهتر است کمی واقع بینانه به مسائل کارگری کشور نگاه کنیم، بهتر نیست برای برون رفت از این همه مشکلات کارگری و وضعیت اسفبار کارگران بجای نقاط ضعف و یا انتقاد به فکر تشکیل تشکیلات و تشکل های کارگری خودمان باشیم تا بتوانیم با متشکل کردن جامعه کارگری، کارگران را از دست سرمایه داران زالو صفت که از شیر جیب کارگران تغذیه میکنند نجات دهیم، فکر میکنم بهترین کاری که دلسوزان جامعه کارگری میتوانند برای ما کارگران بکنند در راستای انسجام و متحدتر کردن کارگران قدم بردارند که تنها راه نجات طبقه کارگر اتحاد و متحد کردن کارگران و ایجاد تشکل های مستقل کارگری در کشور است.



عکس مربوط به تجمع رانندگان مقابل شهرداری است.

همدستی سرمایه داری انگل تجاری با تحریم های امپریالیستی

رضا کارشناسان

باتوجه به واردات سیل آسا توسط سرمایه داری انگل تجاری باتوجه درهم شکستن تحریم ها و رفع نیازهای مردم و مبارزه با احتکار و گرانی، غارت ثروت ملی زحمتکشان روندی شتاب آمیز به خود گرفته است. سرمایه داری انگل تجاری در ایران به دلیل اینکه انبوهی از ثروت های ملی در کنترل دولت قرار دارد، انباشت سرمایه خود را باید از طریق غارت این اموال تامین کند. بطور مثال دست اندازی به منابع نفتی و پتروشیمی و در آخرین رویداد دست اندازی به صندوق تامین اجتماعی بانساندن مدیر وابسته به خود باشعار خصوصی سازی همه جانبه و دادن لایحه ضد کارگری اصلاح قوانین تامین اجتماعی برای فروش درمانگاه ها و بیمارستان های متعلق به بیمه شدگان را شاهدیم. به همین دلیل سرمایه داری انگل تجاری بطور کامل به انحصار مطلق قدرت سیاسی نیازمند است. سرمایه داری انگل تجاری اگرچه رفتارهای سیاسی خود را در لافافه توجیه های مذهبی پنهان می کند، ولی سیستم اقتصادی حاکم بر کشور را مطابق با آخرین مُدل سرمایه داری جهانی سازمان داده است. مُدل اقتصادی نئولیبرالیستی با بیرحمانه ترین شکل آن یعنی شوک درمانی به اجرا درآمده است. حامیان سرمایه داری انگل تجاری و عاشقان سرمایه داری بین المللی برای آماده سازی بستر چپاول ثروت زحمتکشان باشعار خصوصی سازی هرچه سریع تر و گسترده تر آتش بیار معرکه شده اند. سرمایه داری انگل تجاری هیچ نوع تعهدی به منافع ملی ایران ندارد و نخواهد داشت. تنها هدف آنها ثروت اندوزی بهر صورتی است. آمریکا و متحدان اروپایی اش به این واقعیت ها آگاهی کامل دارند و می دانند که در سناریوی تحریم، فشار سیاسی، واردات بی ضابطه چگونه می تواند از بُعد اقتصادی بطور وسیع و برپایه فصل مشترک های موجود در علائق که همانا سرکوب سندیکاها و کارگری و جنبش آزادیخواهی است در جهت حل اختلاف های سیاسی کنونی بهره برداری کنند. باتوجه به روند اقتصادی کنونی، در آینده ای نه چندان دور ایران کاملاً دست بسته با اقتصادی وارداتی و غیر تولیدی و زیر ساخت های تخریب شده اقتصادی (در اثر تحریم ها) در چنگال سرمایه داری وابسته داخلی و سرمایه داری جهانی اسیر خواهد شد.

تحریم ها برخلاف آنچه دولت های اتحادیه اروپا ادعا می کنند، بیش از همه بروضعیت زندگی مردم میهن ما تاثیر خواهد گذاشت. جالب اینجاست که در اعمال تحریم های جدید اتحادیه اروپا خروج نام عده ای از تاجران عمده و شرکت های مختلف از فهرست تحریم هاست. برای نمونه محمود خاوری مدیر عامل سابق بانک ملی و از چهره های اصلی فساد مالی ۳ هزار میلیاردی و محمد جدی مدیر عامل بانک صادرات و وزیر قبلی

کار ازلیست تحریم ها حذف شده اند. آیا نباید پرسید حذف نام این افراد جز همدستی اینان با سرمایه داری جهانی است؟ شدت یافتن تحریم ها و ادعای دولت های اروپایی و آمریکا مبنی بر اینکه مردم هدف این تحریم ها نیستند، درحالی است که به تصریح دبیرکل سازمان ملل ، مردم ایران قربانیان اصلی این سیاست های مداخله جویانه و ضدانسانی هستند. بان کی مون در ۱۴ مهرماه در گزارش خودبه مجمع عمومی سازمان ملل باصراحت اعتراف کرده است که «تحریم ها، مردم ایران را در فشار قرار داده و زندگی را برای اکثریت جامعه بسیار دشوار ساخته است. از جمله افزایش قیمت کالاهای اساسی و مواد غذایی و دارو که دسترسی آنها را برای مردم مشکل کرده است.» تحریم های به کارگرفته شده بر ضد کشورمان در سالهای اخیر در واقع جنگی است اعلام نشده بر ضد مردم که علاوه بر تحمیل بار سنگینی از فاجعه های انسانی و اجتماعی، امکان سندیکاهای کارگری را به منظور سازماندهی زحمتکشان برای بدست آوردن مطالبات برحق خویش را دشوارتر می کند و دامنه نفوذ جنبش کارگری را محدود تر خواهد ساخت. تحریم اولین قدم برای مداخله و حمله به ایران با همدستی سرمایه داری انگل تجاری است.

آنچه در لیبی، عراق، افغانستان و امروز در مداخله امپریالیسم فرانسه در کشور مالی صورت می گیرد، نسخه ای از نسخه های سرمایه داری جهانی برای کشورهایی همچون ماست. فرانسه مداخله در مالی را به بهانه نگرانی از قدرت گیری و گسترش اسلام گرایان افراطی که می تواند در سراسر منطقه گسترش یابد و نه تنها برای قاره آفریقا بلکه حتا برای کشورهای اروپایی در بر دارنده تهدید و خطر است توجیه می کند. در مقابل این توجیه ها نیروهای مترقی و صلح دوست و سندیکاهای کارگری در فرانسه ، اقدام دولت فرانسه را نقض آشکار منشور سازمان ملل در راستای طرح های توسعه طلبانه امپریالیسم فرانسه به منظور دستیابی به منابع خام سرشار این کشور فقر زده آمریکایی قلمداد می کنند. کشور مالی دارای منابع غنی اورانیوم ، طلا، حوزه های نفت و گاز است.

سرمایه داری جهانی با تحریم کشورها در اولین قدم جنگی نابرابر را به مردم زحمتکش تحمیل کرده و توان مبارزاتی آنان را به چالش می کشد و در قدم بعدی با دلسوز نشان دادن خود توسط رسانه های خبری و به اصطلاح دفاع از پیکار مردم ، عامل سرکوب جنبش کارگری بدست سرمایه داری انگل تجاری است. تا رقیب همیشگی خود را در آینده ضعیف و سرکوب شده ببیند.

تحریم اولین قدم برای مداخله اقتصادی و نظامی در ایران با همدستی سرمایه داری انگل تجاری است. در این جنگ اعلام نشده بر ضد زحمتکشان ایران توسط سرمایه داری جهانی همدستی سرمایه داری خائن تجاری داخلی بسیار مشهود است. مخالفت قاطع با تحریم های مداخله گرایانه با مبارزه بر ضد سرمایه داری انگل تجاری پیوندی هماهنگ دارد.

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به عنوان نهادی مستقل که دل در گروی خوشبختی و سربلندی عموم مردم ایران به ویژه کارگران و زحمتکشان دارد و در این راه ستمهای زیادی از جمله زندانی شدن ، بیکاری ، محرومیت ، تهمت و افترا و تعقیب و مراقبت های پلیسی را متحمل شده اند ضمن اعتراض شدید و رد پیش نویس های مطروحه قانون کار و تامین اجتماعی خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعی است که :

استانداردهای حقوق بنیادین کار مصوب سازمان جهانی کار نظیر حق تشکیل سندیکا، فدراسیون و کنفدراسیونها و حق تجمع و اعتراض، اعتصاب و راه پیمایی و بهره مندی از دستمزدی برای داشتن زندگی شرافتمندانه در آن بدون چون و چرا و کم و کاست تضمین گردد.

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی کارگران و زحمتکشان ایران که در چنین روزها و هفته هایی در سال ۱۳۵۷ با هزاران امید و آرزو به منظور دست یافتن به شرایط بهتر کار و زندگی و برقراری عدالت اجتماعی مبارزات خود را که از ماهها پیش شدت یافته بود به اوج رسانده و با این اندیشه که قولهای داده شده به آنها در جریان مبارزات انقلابی به واقعیت تبدیل خواهد شد بزرگترین اعتراضات و اعتصابات را برگزار کردند که به گواهی همه ناظرین آگاه این اعتصابات و اعتراضات کارگران و دیگر زحمتکشان بود که پیروزی نهایی مردم ایران را در گذر از رژیم پیشین رقم زد و پس از حمله ارتش متجاوز عراق به مرزهای میهن و آغاز جنگ باز هم این کارگران و زحمتکشان و فرزندان شان بودند که بیشترین سهم از جان و مال و آسایش خویش را در راه دفاع از مردم و میهن پرداختند.

اما امروز به گواهی آمار و ارقام منتشره از سوی مراکز حکومتی ، بیشترین سهم از فشار گرانی و تورم و بیکاری و نگرانی از آینده به کارگران و زحمتکشان رسیده و می رسد و آنها در شرایط سهمگین ، دشوار و کمر شکن تحریم هاوندانم کاریها بیش از پیش باز هم سهم بیشتری را می پردازند و عجا در چنین اوضاع و احوال طوفان خیز گرانی ، تورم و کمبود ، طرح پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی که شرایط را بر کارگران و زحمتکشان و بازنشستگان کارگری بدتر از قبل می کند به مجلس می رود و اعتراض هزاران هزار کارگر در این باره نادیده و ناشنیده گرفته می شود .

کارگران و زحمتکشان این سرزمین که بار اصلی کار و تولید و سازندگی و خدمت رسانی

به جامعه را به دوش می کشند همچنان از حقوق عمومی نظیر حق داشتن سندیکای مستقل و حق تجمع و اعتراض و راه پیمایی و اعتصاب ، که در اکثر کشورهای متمدن و پیشرفته جهان پذیرفته شده و هر روز در رسانه های داخلی و خارجی منتشر می شود ، محروم بوده و هستند و این محرومیت در حالی است که بنا بر قوانین و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار به ویژه مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ که از عضویت کشورمان در آن بیش از پنجاه سال می گذرد، مسئولان موظف و مکلف به رعایت آنها می باشند سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به عنوان نهادی مستقل که دل در گروی خوشبختی و سربلندی عموم مردم ایران به ویژه کارگران و زحمتکشان دارد و در این راه ستمهای زیادی از جمله زندانی شدن ، بیکاری ، محرومیت ، تهمت و افترا و تعقیب و مراقبت های پلیسی را متحمل شده اند ضمن اعتراض شدید و رد پیش نویس های مطروحه قانون کار و تامین اجتماعی خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعی است که :

استانداردهای حقوق بنیادین کار مصوب سازمان جهانی کار نظیر حق تشکیل سندیکا،فدراسیون و کنفدراسیونها و حق تجمع و اعتراض،اعتصاب و راه پیمایی و بهره مندی از دستمزدی برای داشتن زندگی شرافتمندانه در آن بدون چون و چرا و کم و کاست تضمین گردد.

باید دانسته شود صبر و تحمل جوامع بشری از جمله جامعه کارگری ایران در برابر بی عدالتی و حق کشی حدی دارد .

در این باره باید سخن دلسوزان آگاه را به گوش جان شنید که گفته اند: پیشگیری بهتر از درمان است

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
بهمن ماه ۱۳۹۱

عیدی و پاداش

۱- میزان عیدی و پاداش کارگران مشمول قانون کار ؟

به موجب ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاههای مشمول قانون کار مصوب ۷۰/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی ، کلیه کارفرمایان مکلفند به هر یک از کارگران خود به نسبت یک سال کار معادل شصت روز آخرین مزد به عنوان عیدی و پاداش بپردازند ، مبلغ پرداختی از این بابت به هر یک از کارگران نبایستی از معادل نود روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند ضمناً بر طبق تبصره یک ماده واحده مذکور مبلغ پرداختی به کارگرانی که کمتر از یک سال در کارگاه کار کرده اند باید به ماخذ شصت روز مزد و به نسبت ایام کارکرد در سال محاسبه گردد ، مبلغ پرداختی از این بابت برای هر ماه نباید از یک دوازدهم سقف تعیین شده موضوع ماده واحده این قانون تجاوز نماید . در کارگاههایی که مطابق رویه جاری کارگاه بیش از مبلغ فوق پرداخت می کنند برابر تبصره ۲ ماده واحده فوق عرف کارگاه معتبر می باشد .

۲- با تصویب قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ آیا کارگران مشمول قانون کار که در واحدهای دولتی شاغل هستند حکم پرداخت دو ماه عیدی و پاداش کارگری در مورد آنان قابل اعمال نمی باشد ؟

قانونگذار با تصویب قانون نحوه پرداخت عیدی به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ اعتبار قانون تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاههای مشمول قانون کار مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۶ را لغو نکرده است بنابراین حکم تعیین عیدی معادل شصت روز آخرین مزد مشمولین قانون کار کماکان به قوت خود باقی است ضمناً کارگاه در قانون کار به اعتبار اشتغال کارگران در محل انجام کار تعریف می شود به این لحاظ دستگاههای دولتی را در صورت داشتن کارگران مشمول قانون کار نمی توان مستثنی از تعریف ماده ۴ این قانون دانست نتیجه اینکه کلیه کارگران مشمول قانون کار اعم از اینکه در بخش خصوصی و یا دولتی شاغل باشند از دو ماه عیدی و پاداش آخر سال موضوع ماده واحده قانون اسفند ۱۳۷۰ مصوب مجلس شورای اسلامی برخوردار خواهند بود .

۳- چه اقلامی از پرداختهای کارگاه در محاسبه عیدی و پاداش کارگران منظور می گردد؟

آنچه که مبنای محاسبه و پرداخت عیدی و پاداش پایان سال کارگران مشمول قانون کار قرار می گیرد مزد و فوق العاده هایی است که کارگر به مناسبت اشتغال در شغل مربوط دریافت می دارد به عبارت دیگر مزایایی که افراد به نوعی در ارتباط با شغل دریافت می کنند از اجزاء مزد محسوب می گردد به این معنی فوق العاده شغل ، سختی کار و هر آنچه را که به تبع شغل به کارگر داده می شود جزء مزد منظور و الزاماً باید در محاسبه عیدی و پاداش لحاظ گردد بدیهی

است صرفاً مزایای رفاهی و انگیزه ای از قبیل کمک عائله مندی و کمک هزینه های مسکن ، خواروبار و بن و نیز پاداش افزایش تولید جزء مزد به حساب نیامده و در پرداخت عیدی و پاداش نیز لحاظ نخواهد شد

۴- پرداخت عیدی و پاداش آخر سال به کارگران فصلی چگونه است ؟ کارگران کار مزدی چگونه ؟

مبلغ پرداختی بابت عیدی و پاداش به کارگران کارگاههای فصلی مشمول قانون کار و همچنین کارگران سایر کارگاههای مشمول که کمتر از یک سال در کارگاه کار کرده اند باید بر مآخذ ۶۰ روز و به نسبت ایام کارکرد در سال محاسبه گردد. ضمناً مزد مورد عمل در محاسبه وجوه عیدی و پاداش پایان سال به کارگران کار مزدی عبارت از متوسط کارمزد دریافتی آنان بر حسب مدت ایام کارکرد در سال می باشد.

۵- در یکی از واحدهای کارگری که کارفرما در پایان شش ماهه اول هر سال مبلغی از عیدی و پاداش آخر سال را به صورت علی الحساب به کارگران پرداخت می نموده است امسال اعلام داشته که به دلیل مشکلات مالی قادر به پرداخت علی الحساب پایان شش ماهه اول نمی باشد تکلیف مراجع حل اختلاف چیست ؟

در مقررات عیدی و پاداش مصوب سال ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی قانونگذار قید زمانی آخر سال برای پرداخت آن مقرر داشته است ولی بعضاً واحدهای کارگری در پایان شش ماهه اول مبلغی را تحت عنوان علی الحساب عیدی و پاداش پرداخت می نمایند که در این رابطه چنانچه با بررسی و تحقیق ادعای کار فرما مبنی بر عدم امکان پرداخت علی الحساب عیدی و پاداش به دلیل مشکلات مالی احراز گردد الزام واحد به پرداخت آن با مفاد قانون عیدی و پاداش انطباق پیدا نمی کند .

۶- عیدی و پاداش کارگران پاره وقت چگونه محاسبه می شود ؟

بر اساس ماده ۳۹ قانون کار مزد و مزایای کارگرانی که به صورت نیمه وقت و یا کمتر از ساعات قانونی تعیین شده به کار اشتغال دارند به نسبت ساعات کار انجام یافته محاسبه و پرداخت می شود که عیدی و پاداش نیز از این قاعده کلی مستثنی نمی باشد .

۷- عیدی و پاداش کارگرانی که به صورت ساعتی کار می کنند بر چه مبنایی محاسبه می گردد ؟

در مورد کارکنان ساعتی که حقوق ماهانه ثابت نداشته و دستمزد آنان در ماه متغیر می باشد برای محاسبه عیدی و پاداش ، میانگین حقوق ۳ ماه آخر خدمت آنان مبنای محاسبه قرار خواهد گرفت .

۸- آیا در هنگام محاسبه عیدی و پاداش سالانه مدتی که کارگر در مرخصی استعلاجی

بوده نیز جزء سوابق وی منظور می گردد ؟

بر اساس ماده ۷۴ قانون کار مدت مرخصی استعلاجی که به تایید سازمان تامین اجتماعی رسیده باشد جزء سوابق کار کارگران محسوب می شود لذا ایام مذکور مشمول پرداخت عیدی و پاداش سالانه نیز خواهد بود.

۹- آیا دولتی یا خصوص بودن کارگاه و نوع فعالیت آن در میزان عیدی و پاداش سالانه کارگران تاثیری دارد ؟

با توجه به ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاههای مشمول قانون کار مصوب مورخ ۷۰/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی ، کلیه کارگران مشمول قانون کار صرفنظر از محل اشتغال و نوع کارگاه (دولتی ، خصوصی ، تعاونی ، صنعتی ، کشاورزی و خدماتی) به میزان مقرر در مصوبه فوق از عیدی و پاداش سالانه برخوردار خواهند بود .

۱۰- عیدی و پاداش کارگران بر چه مبنایی محاسبه می شود ؟

مبنای محاسبه عیدی و پاداش سالانه کارگران در کارگاههایی که طرح طبقه بندی مشاغل دارند مزد گروه و پایه یا مزد مبنا و در واحدهای فاقد طرح طبقه بندی مزد ثابت یعنی مزد شغل و مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل خواهد بود .

۱۱- عیدی و پاداش کارگرانی که در طول سال با کارفرما قطع رابطه می کنند به چه ترتیب محاسبه می شود ؟

کارکنانی که در طول سال از خدمت مستعفی ، اخراج ، بازنشسته و یا به نحوی از انحاء رابطه آنان با کارگاه قطع می شود به نسبت مدت کارکرد محق به دریافت عیدی و پاداش سالانه خواهند بود .

۱۲- جدا از عیدی و پاداش که مطابق قانون مربوط در پایان هر سال به کارگران مشمول قانون کار پرداخت می گردد چنانچه در طول سال به کارگرانی که خدمت برجسته یا فوق العاده انجام داده اند مبلغی به عنوان پاداش پرداخت گردد آیا این اقدام با مقررات مربوط به عیدی و پاداش مغایرت خواهد داشت ؟

پاداشهای موردی که در قبال انجام خدمات فوق العاده و برجسته و یا فعالیت با کیفیت و کمیت بیش از حد معمول از سوی کارفرما به کارگران مشمول قانون کار پرداخت می شود جدا از عیدی و پاداش سالانه موضوع قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاههای مشمول قانون کار مصوب ۷۰/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی بوده و پرداخت آنها قانوناً ممنوعیتی نخواهد داشت .

۱۳- در هنگام محاسبه و پرداخت عیدی و پاداش سالانه کارگر ، آیا مبالغی که در طی سال به طور موردی به عنوان پاداش به وی پرداخت گردیده قابل تهاتر است ؟

نظر به اینکه کلمه «سالانه» در قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاههای مشمول قانون کار به مفهوم آنست که پرداخت عیدی و پاداش باید در آخر هر سال انجام گیرد لذا پاداشهای نقدی و غیر نقدی که در طول سال به طور موردی پرداخت می گردد هیچ گونه ارتباطی با پاداش آخر سال کارکنان ندارد .

۱۴- آیا پرداخت عیدی و پاداش را که قانوناً می بایست در آخر سال صورت گیرد در مقاطع مختلف سال نیز می توان انجام داد؟

مستنبط از ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران ... مصوب ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی و تبصره یک آن ، پرداخت عیدی و پاداش موضوع مصوبه یاد شده تنها در پایان سال مورد پیدا کرده و هر گونه پرداخت از این بابت در طول سال می تواند صرفاً علی الحساب عیدی و پاداش آخر سال محسوب گردد .

۱۵- آیا پرداخت عیدی و پاداش به میزان بیش از آنچه در قانون مصوب مجلس آمده است مجاز می باشد ؟

صراحت قسمت آخر بند ۲ لایحه قانونی تامین منافع کارگران مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب و ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاههای مشمول قانون کار مصوب ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی ، پرداخت هرگونه وجهی از بابت عیدی و پاداش سالانه علاوه بر میزانهای مقرر در قوانین یاد شده را مجاز اعلام نمی دارد .

۱۶- بر اساس مقررات قانون کار ، آیا انعقاد قرارداد های پاداش افزایش تولید در واحدهای خدماتی نیز میسر است ؟

واحدهای خدماتی بر اساس بند ۲ ضوابط و روشهای اجرایی آیین نامه مصوب ۷۰/۸/۱۱ موضوع ماده ۴۷ قانون کار می توانند با توجه به مفاد بند یاد شده تولید مبنای واحد خود را تعیین و بر اساس ضوابط مربوط مبادرت به انعقاد قرار داد پرداخت پاداش افزایش تولید بنمایند .

۱۷- در دستگاههای مشمول قانون استخدام کشوری ، اگر مستخدمین خانواده خود را به کلاسهای نهضت سواد آموزی بفرستند استحقاق دریافت پاداش خواهد داشت و آیا این مقررات در مورد کارگران مشمول قانون کار نیز قابل اجرا است ؟

پرداخت پاداش مقرر در ماده ۴۱ قانون استخدام کشوری به مستخدمینی که خانواده خود را به کلاس های نهضت سواد آموزی بفرستند و کارنامه قبولی دریافت دارند در مورد مستخدمین مشمول قانون مذکور مجری بوده و در قانون کار و مقررات تبعی پرداخت چنین وجهی به کارگران مشمول این قانون پیش بینی نگردیده است .

تاریخچه سندیکای کارگران بنایان تهران و حومه



مازیار گیلانی نژاد

حقوق بود. ابراهیم مختاری مسئول کارگاه های کوچک در سندیکا بود تا در رابطه با هشت ساعت کار فعالیت کند. التفات دین ورزیده و مش مهی و احمد بابک نیز از فعالین سندیکایی بودند. در تیر ماه ۱۳۲۳ اتحادیه کارگران ساختمانی شکل گرفت که متعاقب آن در ۲۳/۴/۹ با صدور بیانیه ای در مورد مشکلات کارگران ساختمانی اظهار نظر کرد و در ۱۳۲۵/۴/۳ به شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران ملحق شد. محل سندیکا از سال ۱۳۲۹ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در چهار راه مختاری واقع بود و آقای معمار ولی مظاهری رابط سندیکا و شورای متحده بود.

حرکت های سندیکایی

در دهه ۳۰

بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ افراد فعال سندیکایی به طور خود جوش شروع به فعالیت کرده و وظایفی را برای خود مشخص نموده و طی آن حرکت سازماندهی شده ای

کارفرمایان از کتک زدن کارگران نیز ابا نمی کردند ، تا اینکه با مبارزات متحد کارگران در شورای متحده این رسم ضد کارگری بر چیده شد. کار این بنیان گذاران: آگاه کردن کارگران ساختمانی از حق و حقوق خویش - متشکل کردن این کارگران در اتحادیه ها و سندیکاهای مربوط به خود - رفع مشکلات کاری از جمله اختلافات مابین کارگر و کارفرما - رسیدگی به حق و حقوق کارگران در مواقع اخراج کارگر از کار - به کارگماری کارگران بیکار توسط اتحادیه و شرکت فعال در همراه شدن با مطالبات کلان از جمله به تصویب رساندن قانون کار و بیمه های اجتماعی و ۸ ساعت کار و تعطیلی روز جمعه با

آنطور که در کتاب آقای شکر اله مانی گفته شده آقای میرزا علی طرفدار اولین کوشنده تشکیلات بنایان بوده که بعد از ۱۳۲۰ از ایشان متاسفانه خبری در دست نیست. بعد از ۱۳۲۰ کارگرانی همچون احمد صالحی کارگر بنا که در ساخت بانک مسکن شعبه اصلی کارگری می کرد به همراه والی اله مظاهری معمار - ابولفضل قریشی بنا - ولی اله مختاری بنا - محمد حسین وهاب پور - اسد مارالانی ، که در قسمت سنگ تراشی از تبریز شروع به فعالیت کرده بود و حیدر معروفی سعی در متشکل کردن کارگران بنا را داشتند. افراد نامبرده از بنیان گذاران اتحادیه کارگران ساختمانی و بنا بعد از شهریور ۱۳۲۰ هستند و همچنین عضو شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران. در این سالها کارگران ساختمانی بیش از ۱۴ ساعت کار می کردند و هیچگونه حق و حقوقی نداشته و حتی

را شروع کردند . اولین هیات مدیره سندیکای کارگران ساختمانی با این افراد تشکیل گردید: حیدر صالحی رئیس هیات مدیره - احمد صالحی دبیر سندیکا - حسین رحیمی مسئول تشکیلات و تبلیغات - نبی معروفی مسئول مالی - مسن آبادی منشی . این هیات مدیره تا اواخر سال ۱۳۳۵ فعال بود و در اولین اقدام بعد از کودتا در کارگاه ساختمانی شرکت لاندا واقع در نارمک اعتصابی را رهبری کرد. در این کارگاه ساخت ۲۵۰ دستگاه ساختمان توسط پیمانکار اول شرکت ساختمانی و تجاری لاندا شروع شده بود . شرکت ساختمانی و تجاری لاندا این پروژه را به پیمانکار دیگری که ۳ معمار بودند با عقد قرار دادی محول کرده بود این معماران استاد عباس - استاد تقی و استاد قربان علی بودند. با سازماندهی سندیکای کارگران ساختمانی در این شرکت نیز سندیکای کارگران بنا تشکیل گردید. که : آقای رحمانی دبیر سندیکا از دفتر مرکزی شرکت و حسابدار کارگاه نیز بود . - استاد ولی اله بنا - استاد حمشت بنا - استاد قربان معروف - استاد نبی اله معروفی مسئول مالی - استاد ابوالفضل معروف بنا - استاد محمد معروف بنا - استاد حسن معروف بنا - استاد عطا اله معروف بنا ، اعضای هیات مدیره را شامل می شدند. و از پشتیبانی تام و تمام سندیکای کارگران ساختمانی بهره مند بودند. در کارگاه ساختمانی لاندا کارگران در روز بیش از ۱۲ ساعت کار می کردند بدون دریافت حقوق ساعات اضافه کاری ، بیشتر کارگران با همان لباسی که از منزل به سر کار می آمدند کار کرده و با همان لباس خاکی به منزل بر می گشتند و چیزی بنام لباس کار وجود نداشت . در موقع خوردن نهار هم کارگران بر روی زمین نشسته غذا می خوردند و در موقع رفتن به خانه چنانچه راننده های کامیون دلشان میخواست کارگران شرکت را گله ای سوار کرده و در میدان فوزیه یا امام حسین فعلی پیاده می کردند. هیچگونه ایمنی کاری وجود نداشت با تمام این احوال کارگران به امید اینکه لقمه نانی برای خانواده خواهند برد با صبوری تحمل می کردند . شرکت ساختمانی لاندا که از شرایط بعد از ۲۸ مرداد به خوبی با خبر بود دستمزد کارگران را با تاخیر می پرداخت. تا اینکه این عمل شدت گرفت و طی پنج ماه حقوق کارگران عقب افتاد . در این پروژه ۳ هزار کارگر شاغل بودند . کارگران سندیکای ساختمانی در طول دوران دیکتاتوری محمد رضا شاهی همیشه روز کارگر را حتی در منازل خود جشن می گرفتند و این سنت مبارزاتی طبقه کارگر جهانی را در هیچ شرایطی به دست فراموشی نسپردند. در همین سال ، روز کارگر توسط سندیکای کارگران ساختمانی لاندا جشن گرفته شد . این جشن که به طور محدود در محل پروژه برگزار می شد ، توسط آقای رحمانی دبیر - نبی معروفی و یک کارگر ساده سازمان داده شده بود . در این جشن آقای رحمانی در مورد پیدایش روز کارگر و اثرات آن در مبارزات کارگران ایرانی سخن گفت و سپس نبی معروفی و یکی دیگر از کارگران در مورد حق کارگران جهت بهره مندی از سرویس رفت و آمد - لباس کار - ایمنی محیط کار و هشت ساعت کار روزانه صحبت کردند که نقطه شروع اعتصاب گردید. با جلساتی که سندیکای کارگران شرکت لاندا در محل شرکت بر پا می کرد، کارگران آماده

اعتصاب شدند. تابستان سال ۱۳۳۳ کارگران با هماهنگی سندیکا دست به اعتصاب زدند. روز دوم اعتصاب کار فرمای شرکت لاند به توسط ۲ نفر از مسئولین کارگاه به نام های مهندس ناصحی و مهندس صید ، ترتیب یک درگیری با کارگران اعتصابی را داد که در این درگیری مهندس ناصح و مهندس صید کتک مفصلی از کارگران خورده و از کارگاه بیرون رفتند. مهندسین با مراجعه به ژاندمری برای دستگیری کارگران مامور آوردند که مامورین تعدادی از کارگران را به طرف پاسگاه هدایت کردند. در پاسگاه کارگران اظهار داشتند که ما مدت ۵ ماه است که حقوق نگرفته ایم شما باشید چه می کنید ؟ با آنکه از طرف مسئولین کارگاه سعی در تطمیع رئیس پاسگاه شد ولی رئیس پاسگاه به کارگران پس از توپ و تشر گفت که اگر این توپ و تشر را هم نکنم خودم زیر سوال خواهم رفت وگرنه حق با شماست . رئیس پاسگاه از مسئولین کارگاه تعهد گرفت که تا ۳ روز دیگر حقوق کارگران را پرداخت کنند. بعد از ۳ روز که از تعهد شرکت گذشت با اطلاعاتی که آقا رحمانی دبیر سندیکا از شرکت داشت کارگران برای دومین بار اعتصاب کرده واز کارگاه نارمک به سمت دفتر مرکزی در بازار سبزه میدان سرازیر شدند. در این حرکت جمعی ،معماران و پیمانکاران دست دوم شرکت و همه کارگران شرکت داشتند. کارگران در محل دفتر و بیرون از آن تحصن کرده خواستار دریافت حق و حقوق عقب افتاده بودند. بعد از یک شبانه روز تحصن، پلیس با شکایت شرکت وارد جریان شد و بدون درگیری عده ای از کارگران را به قرارگاه ۳ پلیس واقع در میدان توپخانه محل فعلی مترو منتقل کرد .بعد از یک روز بازجویی شرکت ملزم به پرداخت حقوق کارگران شد. سندیکای کارگران ساختمانی با ارتباط گیری در آموزش کارگران و حفظ دستاوردهای شورای متحده مرکزی قبل از ۲۸ مرداد ، فعالیتی مستمر داشت. از ۲۸ مرداد تا اواخر سال ۱۳۳۵ که فشار حکومت نظامی به فعالین شدت گرفت با افول حرکت های سندیکایی در کارگران ساختمانی مواجه هستیم. بخشی از فعالین سندیکایی تهران را ترک کرده به شهرستان ها رفتند ، تعدادی از پیشکسوتان فوت نمودند و استاد کارانی نظیر استاد لطیف به خارج از کشور رفته یا دست از فعالیت برداشتند.ناگفته نماند که رژیم پهلوی بعد از ۲۸ مرداد حرکت های تفرقه افکنانه ای در جنبش کارگری بخصوص در صنوف را طراحی کرد . که از جمله می توان. الف : به نظامی کردن کارخانجات که نیروی اصلی حرکت های کارگری بودند را نام برد.ب : بوجود آوردن سندیکاهای گوش بفرمان شد . ج : به دلیل ویژگی که صنوف دارند و هرکسی می تواند با سرمایه اندک کارفرما شود، سعی در پیمان کارکردن کارگران فعال و غیر فعال جهت خنثی سازی فعالیت سندیکاهای پیشرو و بی اثر کردن فعالیت فعالین کارگری کرد . چون کارگر کارفرما شده دیگر به دنبال مبارزات کارگری نیست بلکه پیمانکاری است که سعی در به دست آوردن سود بیشتر از ثمره کار کارگران زیر دست دارد وبا اندک سودی می توان فعالین را از گردونه ی فعالیت های کارگری خارج ساخت.اگر بخواهیم حرکت سندیکای کارگران ساختمانی را از بدو تولد تا اوایل دهه چهل ارزیابی کنیم می توان گفت که اوج قدرت حرکت های

سندیکایی بخصوص در سندیکای ساختمانی معطوف به سالهای ۱۳۲۸ تا اواخر سال ۱۳۳۳ است. در قبل از ۲۸ مرداد آزادی نیم بندی وجود داشت ، سندیکا ها کارگران ایران را متحد کرده و از این طریق به یک اتحاد یکپارچه دست پیدا کرده بودند که تبلور آن شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران بود ، که با سازماندهی اعتصابات از جمله اعتصاب فرودگاه مهرآباد- چیت سازی- دخانیات - سیلو- کوره پزخانه ها - شرکت نفت خوزستان - اعتصاب ۶ منبع آب تهران - اعتصاب کارخانجات نساجی اصفهان باعث آشنایی هر چه بیشتر کارگران به حقوق کار - رسمیت یافتن سندیکاها - اعمال ۸ ساعت کار- قانونی کردن اضافه کاری با حقوق - تعطیلی روز جمعه با حقوق - به دست آوردن تعطیلات کارگری- حضور در اختلافات بین کارگر و کارفرما و حل و فصل آن به نفع کارگر و از همه مهمتر تصویب قانون کار و تشکیل صندوق بیمه کارگران را نام برد . بعد از ۲۸ مرداد با تجارب به دست آمده و جایگزین شدن کادرهای جوان ، سازماندهی اعتصابات برای حفظ دستاوردهای قبل از ۳۲ شروع شد. شکل گیری سندیکاها بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ به دلیل شرایط اختناق و سرکوب به صورت زیر زمینی و داوطلبانه توسط افرادی که زمانی عضو شورای متحده بودند شکل گرفت ، که اعتصاب کارگاه ساختمانی لانداز آن جمله است . رژیم شاه فکر نمی کرد بعد از کودتا کسی جرات سر بلند کردن داشته باشد چه رسد به اعتصاب. اما با شروع حرکت های اتحاد شکنانه ی رژیم شاه ، و روند پیمانکار کردن کارگران فعال ، و دور کردن طبقه کارگر از شخصیت کارگری و طبقاتی خود ، تضعیف حرکت های سندیکایی توسط عوامل ساواک پی ریزی شد. البته این حرکت نه تنها در صف ساختمانی بلکه در سایر صنوف نیز اتفاق افتاد . تلاش شاه و ساواک این بود که کارگران ساختمانی را تبدیل به خرده پیمانکار کرده ، و یا در صنف کفاش با رواج حجره داری و سری دوزی فعالیت کارگران فعال وسندیکای کفاش را با شکست رو برو کنند ، در صنف خیاط - با فنده سوزنی - خم کار نورد کار- سراج سعی در پرورش نیمچه کارفرما شد. با این شیوه بسیاری از بنایان و استاد کاران و فعالین تبدیل به پیمانکاران کوچک شدند و دیگر مزد بگیری و حقوق بگیری کسر شان تلقی می گردید و همه سعی در کارفرما شدن و پیمانکار شدن می نمودند . دیگر رژیم مسئولیتی در قبال افراد عهده دار نبود ، بیمه و بازنشستگی نیز ارزش خود را در میان کارگران پیمانکار شده از دست داد. شاه و اربابان نفتی اش که قبل از ۲۸ مرداد ضربات جانانه ای را از اتحاد طبقه کارگر دریافت کرده بودند ، هرآنچه در قدرت داشت از فشار و سرکوب و دسیسه ، جهت متلاشی کردن اتحادیه های کارگری به میدان آوردند ، ولی موثر واقع نشد ، شاه با توسل به اربابان آمریکایی و انگلیسی خود به کودتای ۲۸ مرداد دست زد که برای ملت و طبقه کارگر ایران بسیار خونبار بود. در ۲۸ مرداد ۳۲ ۱۳ سندیکای کارگران خباز تهران در حسن آباد توسط شعبان بی مخ آتش زده شد . در ۲۹/۳۲/۵/ دستگیری اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش ، حسین باباخانی - حسین سمنانی - عبدالله احیاء و محمود سپاهی صورت گرفت. ۳۲/۸/۲۱/ آودیس مسروپیان کارگر

قناد و فعال کارگری هدف ۵ تیر مسلسل قرار گرفت و جان باخت. در سال ۳۳ ملانصرالله تحریری دهقان مبارز گرمساری به وسیله مرتجعین ربوده، روی بدنش آب جوش ریخته و به طرز دلخراشی خفه کردند. در ۳۳/۲/۱۸ شهادت وارتان سالاخانیان کارگر کفاش در زیر شکنجه روی داد. در ۳۳/۱۱/۱۵ با دستگیری خسرو عیوضیان، آوانس اسکندری، آوانس مدویان و اباذر برنگی از اعضای هیات مدیره سندیکای کفاش و سازمان دهندگان اعتصاب کارگران کفاش به تاریخ ۳۳/۴/۱۴، آخرین بازماندگان هیات مدیره سندیکای کفاش نیز به دام پلیس خونریز محمد رضا شاهی افتادند. در فروردین ۱۳۳۴ دستگیری ۳۵ تن از اعضای شورای متحده تهران از جمله بهرام یعقوب زاده - ابوالفضل سادات قلی - محمود هرمز - لودویک مرادیان دبیران شورای متحده تهران به دست جلادان شاهنشاهی گرفتار شدند. ۳۴/۴/۱۴ ابوالفضل فرهی از اعضای برجسته اتحادیه قالیبافان خراسان در سالهای ۱۳۰۹ - ۱۳۰۸ و از رهبران مشهور اتحادیه کارگران خوزستان در سالهای ۲۷ تا ۳۲ به علت شکنجه های وارده به شهادت رسید. در ۳۷/۲/۲ آرسن آوانسیان هنگام اعدام گفت: من کارگری هستم که جز دو بازوی خود سرمایه ای نداشتم و اکنون سعادت مندم که با همین سرمایه شرافتمندانه در راه مردم به گور می روم.

کادرهای جوان جنبش کارگری که در کوران مبارزات قبل از کودتا آبدیده شده وبادرک شرایط روز جهت گسترش فعالیت سندیکایی بودند، حرکت های کارگری را آغاز کردند. این باربا پختگی و حوصله و بردباری و بدور هرگونه حرکت های خشونت زا سعی در آشنایی کارگران با حق و حقوق سندیکایی بودند. از جمله این جوانان فعال می توان به محمدچوپانزاده اشاره کرد که تا سال ۱۳۳۸ درسندیکای کارگران ساختمانی فعال بود و در اواخر دهه چهل به جنبش چریکی پیوست.

هشت ساعت کار - تعطیلی روز جمعه با حقوق - اضافه کاری با حقوق و از همه مهمتر متشکل شدن در سندیکا، آموزش های مستمر فعالین کارگری در رشته ساختمان بود. این آموزش ها در دهه چهل ببار نشست و بار دیگر فعالین و کارگران آگاه ساختمانی را به دور هم گرد آورد.

فعالیت سندیکایی در دهه چهل

در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ به دلیل رواج ساختمان سازی و بیشتر شدن تعداد کارگران ساختمانی، فعالین سندیکایی توانستند در سال ۴۱ اولین مجمع عمومی را برگزار کنند. در تاریخ ۱۳۴۱/۸/۶ وزارت کار از ثبت سندیکای کارگران ساختمانی خودداری کرد، اما کارگران ساختمانی از پای ننشستند و بعد از سالها کار و فعالیت سندیکای خود را در سال ۱۳۴۹ به ثبت رساندند. ساواک در رابطه با هر حرکت کارگری بسیار حساس بود. ساواک می خواست سندیکا ها زیر نظر آنها فعالیت کنند و از طرف دیگر فعالین سندیکایی در مستقل نگاه داشتن سندیکا کوشا بودند. همچنین فعالین سندیکایی با عناوین مختلف در

پی منزوی کردن مامورین ساواک بودند ، و با تلاش سندیکا های مستقل را ایجاد کردند. سندیکا را ایجاد می کردند. سم مهلک پیمانکار شدن نیز از طرف دیگر باعث تضعیف سندیکاها بود. نه تنها رژیم به دست کارفرمایان سعی در مقاطعه کارکردن اعضای فعال و استاد کاران ماهر علاقمند به سندیکا را داشت ، بلکه از طرف کارگران نیز از این امر استقبال شد تا شاید بتوانند رفاهی را برای خانواده خود به وجود بیاورند. در نتیجه سندیکا ضعیف شد . در اواخر دهه چهل به دلیل رواج ساختمان سازی و بیشتر شدن کارگران این رشته و در نتیجه با تنزل دستمزد کارگران ساختمانی در تیر ماه ۱۳۴۸ و رویکرد کارگران آگاه به سندیکا در سال ۱۳۴۹ ، که به ویژه سهم کارگران جوان چشمگیر بود ، سندیکای بنایان تهران و حومه که در خانه کارگر مستقر بودند انتخاباتی را برگزار کرد . خداحقی جلالی دبیر سندیکا- کامکار - شعبان اکبری - محسن آباد - رحمان محمد نژاد - بخش علی هاشمی و نبی معروفی به عنوان هیات مدیره انتخاب شدند. البته در این هیات مدیره کسانی چون خداحقی جلالی دبیر سندیکا و کامکار عضو هیات مدیره از افراد مورد اعتماد ساواک بودند . این هیات مدیره که مستقلا در رابطه با کارگران بنا فعالیت داشت دیگر بخشی از سندیکای کارگران ساختمانی نبود.

سندیکا در دهه پنجاه

در دهه پنجاه سندیکای کارگران بنایان تهران و حومه فعالیت کمی داشت وجود افراد ساواکی مانند کامکار و خداحقی جلالی در کیفیت کار و نقض استقلال سندیکا تاثیر به سزا گذاشته بود. همچنین ۲ نفر از نمایندگان مجلس چون حیدر صائبی و عباس اسکندری از نزدیک فعالیت سندیکای بنایان تهران و حومه را زیر نظر داشتند. در سال ۵۴ به پیشنهاد کارگران آگاه در سندیکا ، بخشی از هیات مدیره محلی را در نظام آباد اجاره کرده و شروع به فعالیت مستقل کردند بدون اینکه به خداحقی جلالی و کامکار اطلاع دهند. در آن زمان هم در خانه کارگر و هم در نظام آباد ۲ سندیکای بنایان تهران و حومه وجود داشت که پس از ۲ سال در اواخر سال ۵۶ تازه اعضای سندیکای واقع در خانه کارگر پی به وجود سندیکای بنا در نظام آباد شدند. کارگرانی که در سندیکای نظام آباد گرد هم آمده بودند هیات مدیره ای با حضور: آقای حیدر صالحی دبیر سندیکای مستقل کارگران تهران و حومه - آقای مقدم رئیس هیات مدیره - نبی معروفی مسئول کمیسیون مالی و مسئول عضو گیری ، انتخاب کردند . که تا سال ۵۷ این هیات مدیره فعال بود. والی اله مظاهری- حسین رحیمی و بخشعلی هاشمی نیز از فعالین بودند. در سال ۵۶ با شروع حرکت های اعتراضی هیات مدیره تصمیم گرفت به طور فعال در این حرکت اعتراضی شرکت نماید. این تصمیم به بدنه سندیکا نیز منتقل شد و هر چه این حرکت اعتراضی تندتر می شد سندیکا نیز با آن همراهی بیشتری نشان می داد. سندیکا برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه خیلی تلاش می کرد واقعا در سال ۵۷ شعار مرگ بر شاه شعار سندیکا شده بود. اعضای سندیکا در تمام

راه پیمایی ها شرکت فعال داشته و این با تصمیم جمعی هیات مدیره سندیکا بود. با آمدن روزهای توفانی انقلاب هیات مدیره و اعضای فعال و در یک کلام تمام کارگران سندیکای بنایان تهران و حومه بطور جمعی تصمیم گرفتند در انقلاب شرکت موثر داشته باشند. در این زمان کلیه کارگران فعال و استادکاران ماهر که در دهه چهل سعی در مقاطعه کاری داشتند نیز به گرد سندیکای خود جمع شده و هر روز بر تعداد کارگران بنا در سندیکا افزوده می شد در آخرین جلسات هیات مدیره در قبل از انقلاب بحث و تصمیم نهایی درباره انقلاب و پیشبرد آن مطرح بود از جمله شرکت در همه حرکت های اعتراضی- زنده کردن جنبش های صنوف و هم زمان کمک به پخش اطلاعیه هایی سندیکای نقاش- بتون ریز و سندیکای شرکت های ساختمانی. همچنین دیگر سندیکاها نیز همراهی نشان داده آنها نیز اطلاعیه هایی در جهت تائید انقلاب و راهپیمایی ها صادر می کردند از جمله سندیکای کارکنان سینماها و سندیکای کارگران کوره پزخانه ها. این حرکت ها از پائیز ۵۷ شروع به رشد و هم نوایی با انقلاب کرد. کارگران فعالی که ۲۸ مرداد ۳۲ را تجربه کرده بودند دیگر نمی خواستند ۲۸ مرداد دیگری تکرار شود، به همین دلیل در هیات مدیره سندیکاهای خود، سازماندهی و آمادگی های لازم برای حادثه شدن اوضاع و امکان بروز هر اتفاقی را پیش بینی کرده بودند. در روزهای توفانی ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ بهمن این سازماندهی نتایج خود را نشان داد. اعضای هیات مدیره و اعضای فعال سندیکای بنایان که در گروه های مختلف سازماندهی شده بودند در روزهای انقلاب با آمادگی بهتری در انقلاب شرکت کردند و به دستور سندیکای بنا ۳ روز در خیابان های تهران به مبارزه نهایی با رژیم کودتا برخاستند. شعبان اکبری و تعدادی از اعضای سندیکا در تسخیر مسلسل سازی خیابان ژاله شرکت فعال داشتند. رحمان محمد نژاد و تعدادی از اعضای سندیکا در درگیری های نیروی هوایی خیابان ژاله- مسن آبادی در نظام آباد - استاد مختار واحدی در تسخیر کلانتری نارمک- ولی اله مظاهری در تسخیر کلانتری نازی آباد- حسین رحیمی و فرزندان - حیدر صالحی و برادر زاده هایش و ابوالفتح معروفی در تسخیر شهربانی مرکز و کلانتری ۱۱ و درگیری های سلطنت آباد تلاش بی اندازه ای از خود نشان دادند. در تسخیر پادگان جی نبی معروفی و مقدم در خط اول مبارزه حضور فعالی داشتند. قبل از درگیری، خیابان جی را سنگربندی کرده که نبی معروفی مسئول حفاری و سنگربندی بود. با کمک مردم وسط بلوار خیابان جی را کنده دور تا دور کسبه گونی پر از خاک چیده و تحویل انقلابیون مسلح می دادند. سنگرها یکی پس از دیگری آماده می شد و هجوم به پادگان هر زمان بیشتر می شد تا این که پادگان جی خلع سلاح و به دست مردم افتاد. در این درگیری ها ۲ نفر از اعضای سندیکا به نام های علی اکبر و هاشم زخمی شدند. نبی معروفی که هم مسئول پخش آذوقه در بین انقلابیون بود، در روز ۲۲ بهمن از چهار راه لشکر تا میدان پاستور را نیز در حفاظت کامل قرار داده به طوریکه به جز انقلابیون مسلح که به کمک مردم می شتافتند اجازه هیچگونه ترددی را نمی داد.

فعالیت سندیکا بعد از انقلاب

پس از انقلاب اعضای سندیکای بنیان تهران و حومه افزایش یافت. بعد از یک ماه در اواخر اسفند ۱۳۵۷ انتخابات مجدد برگزار شد و هیات مدیره جدید روی کار آمدند. حیدر صالحی دبیر سندیکا - نبی معروفی مسئول مالی - مقدم مسئول تبلیغات - جلال غفاری آموزش - غفار زاده و حمید حسینی بازرس. دستور کار سندیکای بنیان تهران و حومه ۱- پشتیبانی از انقلاب ۲- رفع بیکاری همیشگی از کلیه کارگران ۳- همبستگی با دیگر سندیکاها ۴- همبستگی با احزاب مترقی و طرفدار طبقه کارگر ۵- پشتیبانی از وزیر کار دولت موقت آقای فروهر و معاونین ایشان به خصوص آقای فاضل پور ۶- شرکت در همه مجامع و شرکت فعالانه در همه زمینه ها ۷- ارتباط با دیگر سندیکاهای بنا در شهرستانها. در ارتباط گیری با دیگر سندیکاهای بنای شهرستان های دیگر، ارتباط با سندیکای بنیان تبریز با نمایندگی احمد بابک- سندیکای بنیان مشهد به نمایندگی محمود نوید پور- سندیکاهای کارگران بنای ارومیه به نمایندگی جمال ناصری- در رشت یعقوب محمدی- بندر انزلی مقدم- اردبیل احمد فرقانی - کرج احمد صالحی و قزوین تقی میرزایی صورت گرفت. در بهار سال ۱۳۵۸ فکر تشکیل سازمانی مانند شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران که دستاوردهای درخشانی در دهه های ۲۰ و ۳۰ برای طبقه کارگر به ارمغان آورده بود از جمله قانون کار و بیمه تامین اجتماعی و ۸ ساعت کار و تعطیلی روز جمعه با حقوق مطرح شد. این ایده که با استقبال هیات مدیره سندیکای بنا روبرو شد. یکی از دلایل پیوستن سندیکای کارگران بنا به انجمن همبستگی این بود که انجمن بتواند مانند شورای متحده دستاورد زیادی برای کارگران ایران به ارمغان بیاورد، از جمله متحد کردن کارگران در سراسر ایران که در آن زمان ضرورت مبرم داشت تا به طور سازماندهی شده، هم به خرابی های مانده از انقلاب کمک برسانند و هم در مسائل کلان مانند تعیین دستمزد سالیانه - اصلاح قانون کار- تعمیم بیمه های اجتماعی به عنوان نماینده کارگران ایران اظهار نظر کنند. هم چنانکه در قانون کار پیشنهادی احمد توکلی وزیر کار آن زمان- قدرت کارگران ایران به نمایش گذارده شد. همچنین از پایمال شدن حقوق کارگران توسط سرمایه داران و کارفرمایان کوچک جلوگیری شود، و کارگران بعد از انقلاب مردمی بهمن از حامی قدرتمندی به نام انجمن همبستگی برخوردار شده و کارگران ایران نیز مانند شورهای پیشرفته حقوق واقعی خود را به دست بیاورند. سندیکاها بعد از انقلاب، دستور کارشان حمایت همه جانبه از انقلاب بود. به طور مثال رابطه سندیکاها با دولت موقت زیاد خوب نبود چرا که جلوی فعالیت کارگران سنگ اندازی می شد ولی جلو تظاهرات ۱۰ هزار ساواکی که به عقب افتادن حقوقشان معترض بودند و در جلوی نخست وزیری راه پیمایی کرده بودند واکنش نشان نمی داد. اما در رابطه با کارخانجات و اعتراضات کارگری در داخل

این واحدهای تولیدی واکنش منفی نشان می داد. روزکارگر را ممنوع نمی کرد ولی برای برگزاری آن اشکال تراشی می کرد. در زمان دولت موقت چندین بار به سندیکاها حمله شد و دولت موقت واکنشی از خود نشان نداد. وسایلی که از سندیکاهای کارگری به غارت می رفت با حق عضویت های گرفته شده از اعضا تامین می شد خیلی از کارگران بیکار برای خرید این وسایل کمک مالی کرده بودند تا کار سندیکاها و انجمن همبستگی راه بیافتد. تا شاید گشایشی در کار و زندگی کارگران ایجاد شود. سندیکای کارگران بنا از وزارت آقای فروهر استقبال کرده و از ایشان حمایت می نمود زیرا ایشان در مصاحبه های خود اعلام می کرد که وزارت کار مشوق جنبش سندیکایی است ۵۸/۱/۱۱ و یا ایجاد سندیکاها کارگری ضروری است ۵۸/۱/۱۵ و به همین دلیل به ایشان بها می دادند . حتی با معاون ایشان آقای فاضل پور که کارگر دخانیات بود همکاری صمیمانه ای به وجود آمده بود و ایشان از سندیکاها حمایت می کردند. در مورد تسخیر لانه جاسوسی سندیکای کارگران بنا حمایت قاطع خود را اعلام کرد و اعلامیه ای به این مضمون منتشر کرد : «ما کارگران سندیکای بنایان تهران و حومه از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا حمایت می کنیم» این حمایت سابقه ی تاریخی داشت . درست از همین سفارت توطئه کودتای ۲۸ مرداد بر علیه حکومت ملی دکتر مصدق شکل گرفته بود و ۱۲ سال دستاورد طبقه کارگر ایران برباد رفت . حضور فیزیکی در مقابل سفارت آمریکا و حمایت بی دریغ از تسخیر سفارت محصول گرایش بود ، هنوز کسانی فکر می کردند ، می شود با آمریکا در شرایط آن روز مسامحه کرد و انقلاب را از هدف اصلی اش که همان عدالت اجتماعی و آزادی و استقلال سیاسی اقتصادی بود منحرف ساخت. در درگیری بین احزاب و گروههای سیاسی، سندیکای کارگران بنا به همراه دیگر سندیکاها و انجمن همبستگی تلاش کرد که این عمل به مشکل کردن کارگران این احزاب در درون سندیکا ، به وحدت عمل یکپارچه طبقه کارگر تبدیل شود و تفرقه از بین برود ولی این عمل با خودخواهی و یکسونگری برخی سازمان های مدعی طرفداری از طبقه کارگر عقیم ماند. این گروهها باید از حرکت ساندنیست ها درس می گرفتند و همگی در مقابل دشمن مشترک یعنی امپریالیسم آمریکا متحد می شدند. سندیکاها در تمام دنیا مخالف جنگ هستند. جنگ در همه دنیا به نفع سرمایه داران و به ضرر کارگران تمام می شود این فرزندان کارگران هستند که به جای بازسازی و آبادانی کشور باید طعمه آتش خانمانسوز جنگ شوند. باید به جنگ بروند کشور مقابل را خراب کنند فرزندان زحمتکش کشور مقابل را نابود کرده و خود نیز نابود یا علیل شوند. یعنی نیروی جوان و زحمتکش هر دو کشور که باید دست در دست هم سرمایه داری جهانی را تضعیف کنند ، مجبور به نابودی ثروت های دو کشور و منابع انسانی آن می شوند و سرمایه داری جهانی با فروش اسلحه به دو طرف درگیر از طرق گوناگون نه تنها منابع انسانی و ذخایر و ثروت ملی هر دو کشور را نابود کرده ، بلکه با فروش اسلحه و سپس شرکت در بازسازی کشور مربوطه ، سرمایه دو کشور درگیر را به غارت می برند. اما سندیکاها کارگران بنا با درک شرایط

برای دفع متجاوز و آزادی شهرهای اشغالی از همه گونه کمک به فرزندان درگیر در جنگ ، از اعزام نیرو به جبهه های جنگ تا جمع آوری کمک مضایقه ننمودند . با آمدن آقای توکلی به عنوان وزیر کار و طرح پیش نویس اصلاحیه قانون کار ، طبقه کارگر احساس خطر کرد ، و مانع از آن شد که تفکری کارگر ستیز و عقب مانده که کارگر را همچون حیوانات و ابزار کار به اجاره می داد، اجازه رشد پیدا کند. سندیکاها و طبقه کارگر ایران که دستاوردهای چند ده ساله خود را مورد تهدید می دید تلاش جانانه ای را برای دفاع از دستاوردهای خود و پدرانیشان را بکار گرفت . سندیکاها به هیات بازرسی کل کشور شکایت کرده و چندین بار به دیدار آقای محقق داماد رییس بازرسی کل کشور رفتند که این با مسئولیت سندیکای کارگران بنا صورت می گرفت . هر چند در آن زمان انجمن همبستگی و سایر سندیکاها حتی از داشتن دفتر محروم بودند اما فعالیت بیش از اندازه آنها نتیجه داد. نبی معروفی مسئول عضو گیری انجمن همبستگی و مسئول مالی سندیکای بنایان تهران مسئول جمع آوری امضا از سندیکاها جهت تسلیم آن به بازرسی کل کشور بود. این حقیقتی است کتمان ناپذیر که وزیر کار را کارگران به کمک سندیکاهای خود از وزارت به زیر کشیدند. کارگران شعاری درست کرده بودند بدین مضمون که :

تازگی ها پیدا شده است یک وزیر
غافل از اینکه هزاران مثل تو وزیر
که به کارگر می گوید کار پذیر
از تاج و تختش کارگر کشیده به زیر

در اوایل دهه شصت حتی نداشتن مکان هم نتوانست از فعالیت کارگران و سندیکاها بکاهد. دوستداران سندیکا با هم ارتباط داشتند. این تجربه سالهای دراز مبارزه طبقه کارگر جهان و ایران بود که به سادگی به دست نیامده بود. اتحاد و همبستگی همه چیز کارگران است. در آخرین جلسات هیات مدیره سندیکای کارگران بنا هنوز هم ارتباط جنگ با منافع امپریالیست ها و نقش سرمایه داران دلال داخلی در طولانی تر کردن جنگ - اصلاح قانون کار به نفع طبقه کارگر و گسترش سندیکا در دستور روز کار هیات مدیره بود.

نظری اجمالی به دستاوردهای سندیکا در بعد از انقلاب از جمله شرکت در بازسازی و خرابی های دوران انقلاب - هم آهنگی با سندیکاهای دیگر در مورد قانون کار توکلی - ایجاد انجمن همبستگی - آموزش و بالابردن آگاهی کارگران در مورد سندیکا و وظایف سندیکایی - آشنا نمودن صنوفی که سندیکا نداشتند و کمک به تشکیل سندیکا برای صنف مربوطه - تماس با کارگران و سندیکاهای دیگر شهرستان ها مانند ارومیه - ملایر - رشت - شاهرود - زنجان - مشهد - تبریز - همچنین مذاکره با تعدادی از پزشکان وطن پرست و کارگر دوست که روزانه ۱۰ نفر از بیمارانی که با مهر سندیکا به آنها معرفی می شوند را به طور رایگان پذیرش کنند ، را اگر در نظر بگیریم در مدت کوتاه ۳ سال فعالیت ، دستاوردهای درخشانی به حساب می آید.

در جامعه ای که تازه از شر دیکتاتوری ۲۵ ساله نجات پیدا کرده بود. سندیکاها در اعاده حقوق از دست رفته - تلاش برای ایجاد سندیکاهای مستقل - بیرون بودن از هیاهوهای

احزاب - غیراثولوژیک بودن سندیکا - و برای مستقل ماندن سندیکا تلاش می کردند. در مدت سالهای ۵۷ تا ۶۱ همه به حرکت افتاده بودند و به کمک پیشکسوتان سندیکایی، انجمن همبستگی به وجود آمد که نقش بی بدیلی در به شکست کشاندن قانون کار توکلی ایفا کرد و با یک حرکت سازمان یافته این پیش نویس را به زباله دان تاریخ انداخت. متأسفانه گروه های سیاسی که هیچ گونه پیشینه ای در امر مسائل طبقه کارگر نداشتند برای نفوذ در سندیکاها تلاش می کردند، که اگر نتوانستند رهبری آن را به دست بیاورند، تخم تفرقه در سندیکا بکارند و یا سندیکا را عامل سرمایه داری تبلیغ کنند. سازمان هایی که مدعی طرفداری از طبقه کارگر بودند به عوض اینکه متحد شوند و کارگران هوادار خود را به سندیکاها رهنمون شوند تا این تشکل مردمی محکم تر شود آنها را به سیاسی کاری و کارهای نظامی و امنیتی داشتند. در آن سالهایی که بایدسازمان های سیاسی متحد و یکپارچه عمل می کردند و با طرد حرکت های خشونت زا که بعضاً از طرف گروه های بی هویت طراحی می شد، در دام توطئه این گروه ها افتاده و فضای جامعه را با تشنج و درگیری آلوده ساخته و کار را برای سندیکاها و فعالین آن دشوارتر می نمودند. احزاب تا قبل از ۲۸ مرداد، در راهنمایی طبقه کارگر نقش مهمی را ایفا کردند، چون احزاب طرفدار طبقه کارگر تعدادی کمی بودند و یک پارچه مسئله حادی ایجاد نمی شد. هم سندیکاها اتحاد داشتند و هم احزاب با هم اتفاق نظر، اما بعد از انقلاب از هر گوشه ای یک حزب و گروه و سازمان بیرون آمد. و هیچ کدام هم تلاشی برای پیدا کردن زبان مشترک نمی نمودند. این گروه ها که هیچ سابقه و شناختی از منافع طبقه کارگر نداشتند جز هرج و مرج کاری صورت نمی دادند. تفرقه در طبقه کارگر از قدرتمندی سندیکاها کاست. بخش بزرگی از طبقه کارگر درگیر مسائل سیاسی شد و به مسائل صنفی بی اعتنائی کرد.

آنها به این آموزه که :

«کارگران چیزی ندارند که بین خود تقسیم کنند، آنها باید به توافق برسند و خودشان را برای یک مبارزه مشترک علیه سرمایه داری بسیج کنند».

اتحادیه های کارگری باید سازمانهای توده ای باشند، باید کارگران همه انواع موسسات تولیدی را بدون توجه به دیدگاهها و اعتقاداتشان، تحت عنوان مبارزه علیه استثمار سرمایه داری در بر گیرند و طبقه کارگر را برای مبارزه قطعی آموزش داده و آماده سازند» توجه ای نداشتند.

تجربه به ما می آموزد: تشکیل سندیکا ضرورتی است مبرم و اتحاد کارگران مبرم تر و گریز ناپذیرتر.

استقلال سندیکاها و آگاهی از خواسته های طبقه کارگر ضامن گرایش و اعتقاد کارگران نسبت به سندیکا و پایداری و دوام آن است.

کارگر متفرقه هیچ چیز
کارگر متحد همه چیز
آینده از آن کارگران است

در یونان: کارگران کارخانه را تصرف می کنند

صبح روز سه شنبه، ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ (۲۴ بهمن ۹۱) کارگران کارخانه "ویومی" در یونان با کنترل و مدیریت خود، رسماً پروسه تولید را آغاز کردند. کارگران "ویومی" میدانند که این اولین تجربه و آزمون آنها در اداره و کنترل یک کارخانه صنعتی است. کارخانه "ویومی" تولید کننده مصالح ساختمانی در شهر "تسالینکی" در کشور یونان است. صاحبان این کارخانه حقوق کارگران را از ماه می ۲۰۱۱ پرداخت نکرده و کارخانه را تعطیل کرده بودند. کارگران پس از یک سال تلاش و همفکری در مجمع عمومی های خود و با جلب حمایت بخشهای دیگر جنبش اجتماعی یونان تصمیم گرفتند کارخانه را به دست خود و با مدیریت شورایی خود دوباره راه اندازی کنند.

این حرکت اجتماعی با پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی بسیاری از کارگران و فعالین اجتماعی همراه شد. غروب روز یکشنبه ۱۰ فوریه جمعیت بزرگی متشکل از سازمانها و فعالین کارگری در استادیومی در مرکز تئاتر شهر گرد هم آمدند. در این گردهمایی در باره موضوع و هدف این جنبش کارگری صحبت شد، هرفردی میتواند میکرفن را در اختیار داشته و نظرش را در این مورد بیان کند. بسیاری از مردم نتوانستند به جمع بپیوندند چون استادیوم پر شده و دیگر ظرفیت نداشت.

درخشان ترین بخش این گردهمایی لحظاتی بود که کارگران میکرفن را در دست گرفته و نظر خود را در مورد جامعه ای مبنی بر عدالت و همبستگی و مدیریت اجتماعی بیان میداشتند. و حاضرین (حدود پنج هزار نفر) آنها را تشویق کرده و شعارهایی در حمایت از تصمیم کارگران را فریاد می زدند. موج یک حس جمعی خبر میداد که تلاشها دارد به موفقیت نزدیک میشود. همچنین غروب روز دو شنبه راهپیمایی بزرگی در مرکز شهر برپا شد. خوانندگان و گروههای موسیقی معروف یونانی با برپایی کنسرت به نفع کارگران حمایت مادی و معنوی خود را به نمایش گذاشتند. در میان آنها "تاناسیس پاپاکنستانیو" یکی از معروفترین و مهمترین ترانه سرایان یونان حضور فعال داشت. او همیشه از جنبشهای برابری طلبانه را پشتیبانی و با ترانه هایش در حمایت از جامعه خودگردان تلاش کرده است.



صبح زود روز بعد (سه شنبه ۱۲ فوریه) کارگران به سوی کارخانه حرکت کردند. کارگران در جاهای خود قرار گرفتند و خط تولید در مقابل دوربینهای خبرنگاران و روزنامه نگاران، توسط کارگران کلید خورد. کارگران یک تور راهنمایی در کارخانه گذاشتند و همه جزئیات پروسه تولید را برای جمعیتی که به پشتیبانی و همبستگی با کارگران در آنجا حضور داشتند، توضیح دادند.

هنوز راه درازی در پیش است. هزینه تولید بسیار بالاست، دسترسی به اعتبارات غیرممکن است و بدست آوردن بازار در شرایط افت اقتصادی نامعلوم است. ولی کارگران همچنان امیدوارند. کمکهای مالی و فکری سازمانها و گروههای حمایت کننده برای براه افتادن کارخانه در چند ماه اول، همچنین برای توزیع محصولات میتواند کافی باشد.

همانطور که اشاره شد این کارخانه مواد و مصالح ساختمانی تولید میکند که در ساختن خانه ها مورد استفاده قرار میگیرند مثل گچ، بتونه، و چسب موزائیک و دیگر مصالح ساختمانی. کارگران این کارخانه به خوبی میدانند چگونه کیفیت محصولات را بهبود ببخشند آنها تحقیقاتی را شروع کرده بودند برای تولید محصولاتی که دارای مواد سمی نیستند. همچنین در نظر دارند هزینه های تولید را پایین آورده و در نتیجه محصولات را با قیمت پایین تر عرضه کنند. از آنجا که این محصولات حجم زیادی دارند، حمل و نقل آنها به نقاط دوردست و یافتن بازار بیشتر برای فروش یکی از مشکلات خواهد بود. و بازار فروش محدود میشود به داخل و کشورهای حوزه بالکان.

کارگران کارخانه "ویومی" سه روز را در میان موجی از حمایتها و همبستگی های اجتماعی برای باز گشایی کارخانه شان تجربه کردند. این سه روز فقط نمایشی بود از نتیجه روزها و ماهها و دو سال تلاش و همفکری برای اینکه به این نتیجه برسند: که برای رهایی از مصیبت بیکاری و فقر باید خود را از چنگ سلطه اقتصادی سرمایه داران رها کنند. و هرگز به قولها، وعده وعیدها و دروغهای دولتمردان اعتماد نکنند. آنها به خوبی میدانند که این شروع یک راه طولانی و دشوار است.

برگرفته از سایت:

www.viome.org



کنفدراسیون اتحادیه های کارگری: به خشونت علیه زنان پایان دهید! محمد صفوی

در پنجم آذر ۱۳۹۱ (۲۵ نوامبر ۲۰۱۲) «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» اتحادیه های کارگری دنیا از دولت ها می خواهند که تلاش خود را برای متوقف ساختن خشونت علیه زنان متمرکز کنند. در حال حاضر خشونت علیه زنان به طرزی گسترده و در شکل های بسیار مختلف در اغلب جوامع بشری، متأسفانه به صورت امری عادی در آمده است. آخرین گزارش ویژه سازمان ملل متحد (در ماه می ۲۰۱۲) نشان می دهد: که قتل و خشونت علیه زنان در سراسر دنیا به اوج خود رسیده است. مسئول اول «کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران» نیز اظهار می دارد: «دولت ها مسئولند که خشونت علیه زنان را متوقف سازند اما متأسفانه بسیاری از دولت ها هیچ گونه اقدام عملی برای متوقف ساختن خشونت علیه زنان انجام نمی دهند و حتی در برخی از نقاط دنیا خود دولت ها در اعمال خشونت های سیستماتیک و قانونی علیه زنان فعال اند. در بسیاری موارد مردانی که علیه زنان به خشونت دست می زنند هرگز مورد مجازات قرار نمی گیرند. بنابراین ما نیازمند تصویب قوانین دقیق و روشن به همراه یک نیروی اجرایی و مدنی قدرتمند هستیم که هم برای حفاظت از قانون و هم برای جلوگیری از اعمال خشونت علیه زنان و دختران، با قاطعیت وارد عمل شود.» از سوی دیگر بحران اقتصادی و شدت یافتن روز به روز دامنه این بحران، خشونت علیه زنان را گسترش داده است. بنابه پژوهش های کارگری که توسط اتحادیه های کارگری انجام شده است تأثیرات سیاست های ریاضت کشی اقتصادی و قطع یارانه ها و قطع خدمات اجتماعی ویژه مربوط به زنان در بسیاری از کشورهای دنیا باعث افزایش فشارهای روحی و روانی و انواع خشونت علیه زنان شده است. در حال حاضر عمده ترین تلاش اتحادیه های کارگری و جنبش کارگری میبایست علیه هر گونه خشونتی علیه زنان در محیط های کاری متمرکز بشود. فعالین کارگری میبایست از طریق اقدامات آموزشی و فعالیت های آگاهی بخش در محیط کار و جامعه و خانه نشان دهند که اعمال خشونت امری غیر قابل قبول است و محیط های کاری میبایست عاری از خشونت علیه زنان باشند. همچنین بنا به گزارش "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری" اتحادیه های کارگری و فعالین کارگری در سراسر دنیا از تلاش هایی که در ۲۵ نوامبر در سالروز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان سازماندهی شده است حمایت می کنند. در بسیاری از نقاط دنیا اتحادیه های کارگری و فعالین کارگری (مانند اتحادیه های کارگری در کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، اکوادور، هند، ایتالیا، پاناما و موزامبیک) فعالیت های آموزشی و اعتراضی علیه اعمال خشونت سیستماتیک به زنان را سازماندهی کرده اند. امید این است که فعالین کارگری ایران و کسانی که مدعی دفاع از حقوق کارگران در ایران هستند و از امکانات رسانه ای و دولتی نیز برخوردارند به

صورت عملی نشان دهند که مخالف هر گونه خشونت علیه زنان - و زنان کارگر - هستند و در جهت پاک کردن خشونت از محیط های کاری کشورمان حقیقتاً تلاش می کنند و در این روز بین المللی اعتراض به خشونت علیه زنان، همگام با دیگر مردم دنیا با تلاش های آموزشی و حرکت های اعتراضی در جهت متوقف کردن خشونت در محیط های کار و خانه، و در پهنه جامعه علیه زنان و دختران، اقداماتی عملی و تأثیرگذار انجام می دهند.

گزارشی از وضعیت زنان کارگر خانگی در خاورمیانه

این گزارش به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان توسط «فرح اتیبات و تامارا گوسی» تهیه شده است که برای آگاهی هموطنانم از وضعیت دردناک کارگران خانگی در کشورهای آسیایی، بخشی از آن را به فارسی برگردانده ام.



«دایوی»، دختر ۱۴ ساله اهل اندونزی که هنوز زیر سن قانونی است و به عنوان کارگر مهاجر در اردن به عنوان کارگر خانگی کار میکرد تنها به این جرم که گفته بود خوانندگی را بیشتر از کار خانگی و نظافت کردن دوست دارد از جانب صاحب کارش چنان ضرب و شتم شده بود که او مجبور به فرار از خانه کارفرما شد و به سفارت کشور زادگاهش، اندونزی پناه برد. این در شرایطی بود که برای یکسال کار طاقت فرسا، فقط سه ماه دستمزد به این دختر ۱۴ ساله پرداخت شده بود. نمونه هایی از این نوع خشونت های وحشیانه علیه کارگران زن خانگی در سراسر دنیا وجود دارد اما آمار این گونه خشونت علیه زنان کارگر خانگی خصوصاً در خاورمیانه به شدت بالا است. طبق آمار موجود در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰ میلیون کارگر خانگی، به عنوان نظافتچی - یا مراقبت از کودکان و یا به عنوان آشپز - در خانه ها

کار می کنند. طبق آمار سازمان جهانی کار ۸۳ درصد از این کارگران، زن هستند. بسیاری از این زنان کارگر فاقد هر گونه قوانین حمایتی کار و تأمین اجتماعی اند. این کارگران نه فقط از داشتن سندیکا یا هر تشکل صنفی محرومند بلکه قادر به پیوستن به انجمن یا اتحادیه ای هم - اگر وجود داشته باشد - نیستند. این زنان در شبانه روز با دستمزد اندک مجبور به کارهای شاق هستند و اغلب مورد انواع خشونت های جنسی و نژادپرستانه (و به طور معمول نیز مورد ضرب و شتم) قرار می گیرند. آنها عموماً دچار کم خوابی و کم غذایی و مجبور به انجام اضافه کاری - به اصطلاح «کار اجباری» - هستند. این زنان نه تنها مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند بلکه در مواردی حتا به قتل می رسند. برخی از آنها نیز به زور تهدید و ارباب، به بازار مافیایی فاحشگی کشیده می شوند. با وجود این فجایع اما کارگران خانگی از ترس این که مشاغل بخور و نمیر خود را از دست بدهند ناگزیر به سکوت هستند. در مواردی هم که شکایت می کنند متأسفانه به شکایت آنها رسیدگی نمی شود. برای نمونه یکی از کارگران زن بنام «الما دیچازا»، ۳۳ ساله، اهل کشور اتیوپی، که در بیروت به کار نظافت اشتغال داشت در یکی از خیابانهای بیروت از سوی افراد شرکت و پیمانکارانی که او را استخدام کرده بودند به شدت مورد ضرب و شتم واقع می شود. «الما دیچازا» بعد از انتقال به بیمارستان، خود را حلق آویز می کند. بنابه گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر، هر هفته یک زن کارگر خانگی در بیروت، به طرز مرموزی کشته می شود یا خودکشی می کند. یکی از این موارد بسیار دهشتبار مربوط به یک زن کارگر خانگی در کشور پادشاهی عربستان سعودی است. زنی ۴۹ ساله از کشور سیرلانکا بنام «ال پی اریاواثی» توسط صاحب کارش با ۱۹ میخ که با چکش به بدن او فرو شده بود به قتل رسید. این نمونه ها تنها گوشه کوچکی از شرایط بسیار دشوار زنان کارگر خانگی را در دنیا نشان می دهد. به همین خاطر است که «کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری» با تمام قوا درگیر فعالیت هایی است که دولت ها را موظف کند که هر چه سریع تر قوانینی را به نفع زنان کارگر خانگی که قربانی خشونت و تجاوز و بی حقوقی هستند، به تصویب برسانند. این کنفدراسیون کارگری در تلاش است که بتواند با جلب نظر ۱۲ کشور دنیا «کنوانسیون ۱۸۹» را که به بهبود شرایط کار کارگران خانگی کمک می کند را تا روز ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ در سازمان جهانی کار به تصویب برساند

چرا پیام فلزکار را دوست دام

هفته گذشته هوا ابری و آماده بارش بود پس از صرف صبحانه، کت ضخیمی پوشیدم و شال و کلاه کردم. همسرم با عصبانیت گفت مگر نمی بینی هوا بسیار سرد است؟ گفتم می دانم ولی احتیاط های لازم را کرده ام. بیرون رفته و از دوستی که همیشه پیام فلزکار را می گیرم، را گرفته به خانه آمدم. وقتی به خانه رسیدم همسرم نفس عمیقی کشید و گفت سالم هستی؟ توی این سرما نمی شد پیام فلز کار نخونی؟ همه حرفات از بیمه و تامین اجتماعیه؟ مگر از پیام فلزکار حقوق می گیری که این همه نامه می نویسی و مطالعه می کنی؟؟ گفتم: خانوم، اگر حرف هایت تمام شد به گفته های من گوش بده. من از ۱۴ سالگی، درست زمانی که در کارگاه کفاشی، پادویی می کردم و آن زمان تمام کار دوخت کفش با دست انجام می شد، درد و رنج زمان نوجوانی باعث شد به صفوف سندیکاهای کارگری بپیوندم و این تلاش موجب شد که در سن ۲۱ سالگی عضو هیات اجراییه سندیکا شدم. در آن زمان به سهم خود تلاش کردم که کارگران را نسبت به حقوق خود آشنا کنم و طی چند سال، دهها سخنرانی کارگاهی هر یک به مدت نیم ساعت انجام دادم و برای کارگران توضیح می دادم که سندیکا چیست؟ و اتحادیه و سندیکاهای کارگری باید از حقوقشان اطلاع داشته باشند. در شصت سال قبل هیچ روزنامه یا مجله ای از کارگران حرف نمی زدند و کارگر را به نام «عمله» به زبان می آوردند. آنها در آن زمان به ارزش نیروی کار آگاهی نداشتند. اکنون که ماهنامه پیام فلزکار با مطالب گوناگون کارگری را می نویسد احساس می کنم به آنچه که در طی چندین دهه آرزو داشتم رسیده ام و به همین علت است که پیام فلزکار را دوست دارم و تا موقعی که قلبم به تپش خود ادامه می دهد آنرا می خوانم. چرا که ثمره فعالیت خود و دوستانم را پس از ۶۰ سال را می بینم ایمانی که آرزویش را داشتم و اکنون می بینم که به ثمر نشست است.

محمود آقا کفاش

امید

که پسندیده امیدی همه رنجکشان را
آشکارا و نهان خسته همه خرد و کلان را
برسد آنچه سزا است، چه مردان چه زنان را
هم از این رو بکشی، مهر همه پاکدلان را
که سعادت ز تو آید همه ی پیرو جوان را
(نه روا باشد اگر ما به تو امید نبندیم)

به گمان ست مرا بلکه یقین شد دگران را
کی توان دیده فرو بست به روی ستمی، کان
آشکارا ست که بی تو، نتوان گفت زمانی
من نهم نام تو دروازه فردوس زمینی
بی گمان چون توبیایی، ستم کهنه گریزد
چه کند خلق ستمکش، به تو امید نبندد؟

چون توان بخت سپیدی که رسد جان جهان را

(بهروز)





سندیکی کارگران فلز کارمکانیک
skfelezkar@gmail.com